

انحرافات جدید رویونیستی را بشناسیم!..... صفحه ۴	انقلاب کبیر اکتبر دنیائی را تکان داد..... صفحه ۱۰
پابوسی امپریالیستها..... صفحه ۷	جنگ جدید که می تواند در هر لحظه از نو آغاز گردد..... صفحه ۱۱
اول ماه مه روز همبستگی کارگران..... صفحه ۸	دو سلاح کار زنگ زده و بُرای امروز..... صفحه ۱۲
نگاهی به یک اطلاعیه مشترک..... صفحه ۸	در جنبش جهانی کمونیستی..... صفحه ۱۷
درسهای صدمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷،	فاجعه بحران عمیق سال ۲۰۰۸..... صفحه ۱۷
زنده و آموزنده اند..... صفحه ۹	تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های..... صفحه ۱۷

## انتخابات ورشکسته نظام سرمایه داری در سراسر جهان

در شرایطی که نظام سرمایه داری در بحران اقتصادی و مالی از ۲۰۰۸ به بعد فرو رفته و قادر به گسترش گلوبالیزاسیون و نئولیبرالیسم در حل این بحران نشده با انتخاب شدن دونالد ترامپ با اعلام برگشت به ناسیونالیسم با کمتر از ۳۰٪ کل آراء رای دهنده گان برمسند ریاست جمهوری تکیه زده و سیاستهای فاشیستی جهت فائق آمدن از بحران کنونی را در پیش گرفت. ولی جناحهای مدافع نظام جهانی سرمایه و نئولیبرالیسم متعلق به بانکهای بزرگ که در کنگره آمریکا نفوذ قابل ملاحظه ای دارند، در اندیشه ی ممانعت از آبرو ریزی به خطر

انداختن موقعیت هژمونیک آمریکا در جهان توسط رئیس جمهور کنونی هستند، اقداماتی را بی سروصدا صورت می دهند. در کشورهای اروپائی نیز به دلیل این که سیاست تجمع این کشورها در اتحادیه اروپا قادر به رهائی از این بحران اقتصادی و مالی جهان امپریالیستی نشده و موج نارضایتی در میان توده های مردم به دلیل رشد بی کاری، عدم امنیت شغلی، قطع شدن و یا تقلیل امور رفاهی و بهداشتی و غیره از جمله زمینه برای ضدیت با پناهنده گان خارجی در لفاقه ناسیونالیسم در اروپا سربلند نموده و احزابی از

بقیه در صفحه دوم

## وضعیت مبارزاتی طبقه کارگر

رفقای کارگر سالی که گذشت برای طبقه کارگر به لحاظ معیشتی بسیار سخت و طاقت فرسا بود. شما مجبور بودید که برای تامین حداقل زندگی خود و فرزندان دانشجو و دانش آموزتان در عین تحصیل دو شیفته کار کنید. بسیار دیگری ناشی از فقر مجبور به ترک تحصیل فرزندان شما شدند. سال گذشته حداقل دستمزد با مزایای حدود یک میلیون تومان بود که با خط فقری که ۳,۵ میلیون تومان بود فاصله بسیار زیادی داشت. از اسفند سال ۱۳۹۵ هم که حداقل دستمزدها به ۸۱۳ هزار تومان رسید همزمان خط فقر به سطح ۴ میلیون تومان به بالا رسیده بود. سال گذشته اخراج های کارگران بخاطر اعتراضات با دلیل و بدون دلیل همچنان ادامه داشت و سرمایه داران همچنان پرداختی حقوق کارگری به عقب انداخته و در برخی از کارخانه ها تا حدود ۱۸ ماه دیرکرد پرداختی حقوق کارگران ثبت شده است. اما طبقه کارگر

مبارز به مثابه پرچم دار و پیشرو مبارزات اجتماعی با تمام فشارهای اقتصادی و معیشتی با حدود ۷ هزار عمل مبارزاتی، اعتراضات در این زمینه ها را به اشکال گوناگون جلو برده است. از بستن جاده ها، پر کردن طومارهای اعتراضی به مقامات، تجمع در برابر ارگان های دولتی، برگزاری جلسات مشورتی کارگری در کارخانه ها و کارگاههای تولیدی، اعتصاب و بستن درهای کارخانه به روی مدیران عامل و نیروی امنیتی، تحصن در کارخانه و بیرون کارخانه ها در اعتراض به عقب افتادگی حقوق ها و درگیری با نیروهای امنیتی و پلیسی رژیم..... نمونه های مبارزاتی در سال گذشته بوده است. در برخی واحدهای تولیدی تجمع و تحصن به دفعات مختلف را داشته ایم. در بسیاری از کارخانه ها و واحد های تولیدی مانند کشت و صنعت مهاباد مبارزات و اعتراضات و کشمکش با دولت و سرمایه

بقیه در صفحه دوم

## تداوم کشتار کارگران در میدانهای کار نظام جمهوری اسلامی سرمایه

در تاریخ چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، دهها کارگر معدن زغال سنگ آزاد شهر در اثر انفجار گاز متان گیر افتاده اند و کارگرانی که برای نجات جان آنها رفته بودند، جان خود را از دست داده اند هنوز از آمار دقیق جانباخته گان این حادثه اطلاعی در دست نیست. اما حوادثی از این نوع در ایران تحت حاکمیت ضد کارگر جمهوری اسلامی سرمایه بطور دائم تکرار می شود. کارگران بارها به عدم ایمنی محیط کار نه در این معدن بلکه در کل واحدهای کارگری اعتراض کرده اند ولی رژیم که با خصوصی سازی و سپردن جان کارگران به دست سرمایه داران حریص و غارتگر به دنبال سود هر چه بیشتر است، بی

بقیه در صفحه پنجم

## تنگ و نابودی بر نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه داری!

فجایع ضد انسانی رژیم حاکم سرمایه داری ایران چه قبل و چه بعد از روز جهانی طبقه کارگر هشدار می است به کل کارگران و زحمت کشان که پایان دادن به این فجاجع: کشتار، بی حقوقی، استثمار، ستم قرون وسطائی، زندان و شکنجه و حقارت عظیم تحمیلی این نظام به توده های مردم تبدیل به امری مبرم شده است. با توجه به این واقعتهای جان گداز، نوحه خوانی «عزاست امروز، روز عزاست امروز، باید به شعار «جزا جزاست امروز، روز جزاست امروز، نابودی سرمایه داری دستور روزاست» به خواست اکثریت امروز مردم ایران در مبارزه تبدیل شود.

بقیه در صفحه پنجم

# چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



## انتخابات ورشکسته... بقیه از صفحه اول

این قبیل رشد سریعی یافته و برای کسب قدرت به تکاپو افتاد اند.

اما در این میان گرداننده گان اصلی اقتصاد یعنی بانکداران وابسته به بزرگترین آنها نظیر روتچیلد در اروپا در جهت پیشبرد گلوبالیزاسیون و نئولیبرالیسم جهانی و در این راستا تبدیل اتحادیه اروپا به موقعیت قطب جدید با قدرت، خارج از زیر هژمونی امپریالیسم آمریکا قرار داشتن، دست به کار ایجاد اتحاد کشورهای اروپا در این راستا شدند. انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در این زمینه می تواند هم نشان ورشکسته بودن نظام انتخاباتی سرمایه داری باشد و هم بیانگر خط فرسوده ی دموکراسی تحت سیطره ی سرمایه های عظیم مالی مولتی ملیاردرها که با هو و جنجال پیش برده می شود: تعداد حق رای داشتن شهروندان فرانسه در سال ۲۰۱۷، ۴۷ میلیون نفر است. حتا در معیار دموکراتیک انتخابات، کاندید درصدد پیروزی شدن، حداقل باید ۲۴ میلیون نفر یعنی ۵۱٪ آراء رابه خود اختصاص دهد که ضمن این رقمی جالب و کافی نیست. چرا که ۴۹٪ به آن نماینده تمایل نشان نداده و لذا نمی توان پیروزی ۵۱٪ را پیروزی بزرگی دانست. اما به ندرت می توان در کشورهای سرمایه داری نامزدی را یافت که همین حداقل ۵۱٪ پیروزی را به دست آورده باشد. آقای امانوئل ماکرون از بانکداران نظام مالی روتچیلد در شرایط زیر به ریاست جمهوری در ۷ مه ۲۰۱۷ انتخاب شد:

- رئیس جمهور فرانسه از بانکداران روتچیلد؛  
- ۳۹ ساله جوانترین ریاست جمهوری فرانسه تا به حال؛  
- شرکت کننده گان رای دهی: ۲۰.۷ میلیون یعنی ۴۳.۶٪ از ۴۷ میلیون کل حق رای؛  
- ۲۵.۴٪ یعنی ۱۲ میلیون نفر بزرگترین رقم در امتناع از رای دادن از ۱۹۶۹ به بعد؛  
- ۴.۷۰ میلیون شرکت کننده (۴۷.۱۱٪) با رای بالای سفید و مجموعاً ۳۷٪ از کل امتناع کننده گان حق رای؛  
- ماکرون برنده با ۶۶.۱٪ و مارین لوپن بازنده با ۳۳.۹٪ (۷ میلیون رای داده شده)؛  
- ۱۳.۶۸ میلیون رای (یعنی ۲۹.۱٪ کل آراء داده شده) به ماکرون برنده با کمتر از ۳۰٪، که اکثریت قلمداد می شود!

بدین ترتیب انتخابات ریاست جمهوری در دو کشور امپریالیستی به صورت ناسیونالیستی با گلوبالیستی در آمریکا و گلوبالیستی با ناسیونالیستی در فرانسه پیش رفت ولی از نظر حق انتخاب شدن نماینده اقلیت رای

دهنده گان بودند که به ترتیب در آمریکا برای ناسیونالیستهای پیرو زحدود ۲۸٪ و در فرانسه برای گلوبالیستهای پیروز ۲۹٪ بود. امری که نشان از بحران جدی "دموکراسی" بورژوائی صرف نظر از مواضع سیاسی بورژوائی، آنها از نظر اکثریت رای دهنده گان فاقد صلاحیت نماینده اکثریت بودن می باشند و حاکمان منتخب متعلق به اقلیتند!

بازی انتخاباتی رقیب تراشی بیشتر از آن که ماهیت دموکراتیک داشته باشد، جنبه ی از بین بردن آراء جمعی توده ها - باتوجه به انتخاب نامزدهائی که متعلق به دیدگاههای مختلف ولی ماهیتاً مدافع نظام سرمایه داری می باشند - جریان می یابد. در این وضعیت نیز هرگونه انتقاد به منتخبین با رای اقلیت تحت عنوان شرکت نکردن توده ها گوش شنوایی ندارد. توجیه این نظام حاکم اقلیت این است که چون اکثریت حق رای داشتن خواست شرکت کردن نداشته اند، پس نماینده گان منتخب با کمتر از ۳۰٪ رای را باید تعداد بی تفاوتها را به حساب آورد!! بدین ترتیب حقانیت انتخابات اقلیتی توجیه می شود. در فرانسه انتخاب یکی از دو کاندید ماکرون و لوپن آنان را همانند انتخاب بین وبا و طاعون نامیدند.

در ایران نیز انتخابات دور دوازدهم ریاست جمهوری اسلامی در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، بین بد و بدتر صورت می گیرد که همانند خطرات وبا و طاعون ضربه زدن به توده های مردم در سطوح مختلف را دارند. تفاوت تنها در این است که همان صورت ظاهر معرفی احزاب در ایران کنار گذاشته شده و با توسل به اسلامگرایان حاکم بی بند و باری انتخاباتی را به غیر از بازی حاکمان به اجرا درمی آورند!! و اگر آمارسازی نکنند با تمام ترفندهای به کار گرفته شده منتخب ریاست جمهوری حتا کمتر از ۲۵٪ خواهد شد. در چنین شرایطی ضرور است توده های مردم و به ویژه کارگران و زحمت کشان در سراسر جهان پرچم: زنده باد انتخابات شورائی در جامعه سوسیالیستی که کنترل دائمی سیاستها را برای تغییر احتمالی کاندیداهائی که طبق نظر توده ها در مجلس و دولت کارنکرده باشند، توده ها در دست دارند. برنامه های انتخاباتی کاندیدهای نظام سرمایه داری با کمترین اختلاف یکی بوده و هنرشان ایجاد تشتت نظری است و دنبال چاپیدن بازار آشفته را دزدان حاکم طالبند. در پیش بردن این گونه برنامه ارتجاعی حاکمان با توسل به پلیس، زندان و سرکوب پیش می برند و فریاد حق خواهی توده های مردم هر روز بلندتر می شود.

در حالی که برنامه انتخابات شورائی درگرو بحث و با شرکت همه گان جهت رسیدن به وحدت نظری و نتیجتاً وحدت اراده و عمل در هر واحد انتخاباتی صورت گرفته و پیش بردن برنامه انقلابی جمعی در حدی است که پیروزیهای بزرگی نصیب اکثریت عظیم مردم فراهم آورده و سرودشادمانی در سراسر کشور طنین انداز می گردد. و تنها نق و نال از جانب مدافعان منافع خصوصی خودشان اعم از بورژوائی و خرده بورژوائی با توسل به هنرنمایی مخرب نظیر چوب لای چرخ حرکت کننده جامعه به پیش می گذارند تا به جای انتخابات شورائی، انتخابات مزورانه پارلماناریستی برقرار شود و باردیگر آنان به حاکمیت برسند! (۱).

### ک. ابراهیم

#### ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۶

(۱) - نتایج اعلام شده رای گیری با تمام مهندسیها در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۶: ۵۶.۴ میلیون نفر واجد شرایط رای دادن، ۳۸ میلیون رای ریخته شده. روحانی (۷۹.۶٪) ۲۲ میلیون رای ۴۰٪ کل آراء و ۵۶٪ از ۹.۳۸ میلیون رای ریخته شده). رئیس(۴۵.۲٪) ۱۵ میلیون رای ۲۷.۴٪ کل آراء و ۳۸٪ از ۹.۳۸ میلیون رای ریخته شده). قانون نماینده کمتر از ۵۱٪ کل واجدین رای با اقلیت ۴۰٪ رئیس شد!! قانون حاکمیت اقلیت از آمریکا تا فرانسه و ایران و غیره یکی است: عدم مشروعیت انتخابات



### وضعیت مبارزاتی ... بقیه از صفحه اول

داران تا چندین ماه بصورت رودر رو ادامه داشت. در عین شکست بعضی از این مبارزات کارگری، تعدادی از این مبارزات با تحقق درخواست های کارگران به پیروزی رسیدند و بسیاری از درخواست های محقانه کارگران با هجوم نیروی های امنیتی و بگیرو ببند کارگران و فعالین کارگری روبرو شد. اخراج ها به عاملی برای سرکوب بی وقفه اعتراضات کارگری تبدیل شده است. در سال گذشته لیست طولانی از کارخانجاتی که در آن مبارزات کارگری وجود داشته است که به نسبت سال های گذشته رشد بسیار بالائی داشته است و این نشان می دهد که کارگران در ایران در برابر دولت و سرمایه داران بی رحم و استثمارگر قهرمانانه ایستاده اند و هر روز این هم قوی تر و سازمان یافته تر

وقتی آزادی احزاب و عقیده وجود ندارد، انتخابات یک فریب است



این امر در طی سال های حکومت اسلامی کمک های شایانی کرده است. رژیم اسلامی در بسیاری از موارد ناشی از جنبش قوی کارگری مجبور به عقب نشینی شده است. وجود تشکلات مستقل بعد از سال ها مبارزه و زندان و اخراج های گسترده به طور غیر رسمی در جامعه حضور پیدا کرده اند.

مجموعه مبارزات و پیروزی های و نیز شکست ها در طی یک ساله گذشته روحیه های مبارزاتی و تهاجمی علیه سرمایه و دولت اسلامی را بشدت بالا برده است و اعتراضات دفاعی جای خود را به مبارزات رودر رو داده است. مردم به جان آمده درخواست ها و مسائل خود را بصورت علنی در جامعه مطرح کرده و خواستار پاسخگویی مسئولین هستند. به همین دلیل جناح های مختلف ناشی از تهاجم توده های به ستوه آمده مردم، به جان هم افتاده اند. یکدیگر را به فساد و عدم صلاحیت و بی عرضگی متهم می کنند. در چنین اوضاعی انتخابات ریاست جمهوری به خیمه شب بازی در جهت فریب مردم در عین تصفیه حساب با مخالفین جناحی دولتی خودی ها شبیه است. سال گذشته در اردوی کار تحولات بطرف مثبت و تلاش برای مبارزه علیه سرمایه بی وقفه ادامه داشت و در این رودرویی طبقه کارگر به طور واقعی تنها نبود. معلمان و پرستاران، دانشجویان و بسیار از دیگر اقشار تهیدست اجتماعی در این مبارزه برای زندگی بهتر و دنیای برابر انسانی متحد و همبسته بودند. این موقعیتی عینی را بوجود آورده است که دنیای نوینی را بطرف آزادی و سوسیالیسم باز می کند.

ع.ع



**با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضا و توده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها**

درآمدهای عظیمی است که زندگی بدون آینده ای را برای آنان ترسیم می کند. کودکان کار و بی سرپرست، کارتن خواب ها و خیل عظیمی از فرودستان جامعه ناشی از حرص و ولع سرمایه داری ایران است که در دنیای ستم و استثمار طبقاتی همیشه به عنوان پردشدگان جامعه شناخته می شوند نیروئی که خود برآمده از سود سیستم و مناسبات سرمایه داری است. بر طبق آمارهای داخلی در ایران رشد کودکان کار در چند سال گذشته ۵ درصد بوده است که نشانی از فشارهای اقتصادی به خانواده های کودکان کار است. این در حالی است که سیستم های آموزشی دولتی به حداقل رسیده است و جای آنرا مدارس خصوصی با شهریه های کلان برای خانواده های متوسط گرفته است. که امکان تحصیل را برای کودکان خانواده های کم درآمد بسیار سخت تر کرده است.

معلمان و پرستاران به عنوان مزدبگیران اجتماعی در رده های پائین درآمدهای اجتماعی قرار دارند. و از بسیاری از حقوق و درآمدهای حداقل زندگی محروم می باشند. اعتراضات یک ساله گذشته آنها نشان از تحرکی دارد که در بین این اقشار اجتماعی در حال نضج گیری است.

در طی یک سال گذشته صدور حکم شلاق برای فعالین کارگری بالا رفتن تعداد اعدام ها، ادامه اختلاس ها، همچنان ادامه داشت. فعالین کارگری و سیاسی بدلیل کاملاً واهی و ساختگی بارها به دادرسی ها و ارگان های امنیتی فراخوانده شده و با حکم های قبلی مجدداً به زندان رفتند. در زندان های رژیم شکنجه های جسمی و روانی برپا و بی قانونی به یک قانون تبدیل شده است. زندانیان سیاسی شامل لیست بلندی از فعالین کارگری، جنبش زنان، معلمان، پرستاران، حقوق بشری، عقیدتی، ملی، جنبش زنان، دانشجویی و روشنفکری ایران همچنان در بند رژیم اسلامی هستند. اما با شهادتی در خور تحسین بارها با اعتصاب غذا و اعتراضات در زندان رژیم را در سطح حقوق زندانی و حق شهروندی به چالش کشیده اند. رژیم با دادن حکم های اعدام به زندانیان آنها را تحت شرایط شدید روحی به مدت های طولانی نگاه داشته است.

امروزه در ایران روحیه اعتراضی بشدت بالا گرفته است. این اعتراضات که بازتاب بحران اقتصادی و سیاسی در ایران است که نسیم سالهای ۵۶ - ۵۷ را بخاطر می آورد. آتش های انقلاب زیر خاکستر در حال شعله دادن است. مقاومت و مبارزه بی وقفه طبقه کارگر و فعالین کارگری و سیاسی به

می شود. و در عین حال تعداد آنها رشد داشته است. رژیم سرمایه داری اسلامی هر چه بیشتر تشکلات کارگری و فعالین کارگری را تحت پیگرد و سرکوب قرار می دهد اما خواست تشکل در بین طبقه کارگر به یک خواست همگانی تبدیل شده است. به همین دلیل دولت دیگر قادر نخواهد بود جلوی تشکلات مستقل را بگیرد اگر کارگران متحدانه در برابر هجوم ماموران امنیتی و اخراج ها بایستند.

در سال گذشته همکاری کارگران در مبارزه علیه سرمایه برای احقاق حقوق صنفی خود تنگاتنگ تر بود. بیش از ۸۰ درصد اعتراضات بخاطر معوق ماندن حقوق ها و نیز پرداخت نشدن مزایا و پاداش و عیدی ها بوده است. جدا از اطلاعیه های مشترک، اعتراضات مشترک بخاطر دفاع از فعالین کارگری که بطور دائم توسط رژیم اسلامی تحت فشار و زندان و غیره قرار می گرفتند نیز در هماهنگی بیشتری بود. ما شاهد اطلاعیه های مشترک زیادی از طرف تشکلات و فعالین کارگری در دفاع از هم طبقه ایی های خود بودیم. حزب رنجبران به مثابه گردانی از جنبش کمونیستی ایران از مبارزات بحق کارگران علیه سرمایه و جمهوری اسلامی پشتیبانی کرده و مدافع بی چون و چرای پیوند جنبش کارگری و کمونیستی می باشد. کارگران در ایران بدون داشتن یک حزب کمونیست و تشکل سیاسی متعلق به خود قادر به دست گرفتن مستقل سرنوشت خود نخواهد بود.

بیکاری همچنان بیداد می کند و نرخ بیکاری بویژه در بین تحصیل کرده ها بر طبق آمارهای گوناگون در ایران به ۴۰ درصد می رسد، بسیاری از تحصیلکردگان در ایران جزئی از لشکر بیکارها بحساب می آیند. بسیاری از نیروهای جوان که به بازار کار اضافه می شوند نمی توانند کار مناسب و یا اصلاً کاری پیدا کنند. آنها بعلت ضعف مالی مجبور هستند با پدر و مادرهای کم درآمد خود در خانه های بسیار کوچک زندگی کنند. در کنار چنین وضعیتی آقازاده ها با خانه ها و آپارتمان های میلیاردری و حیف و میل و اسراف، در یک زندگی اشرافی کاملاً انگلی غرق هستند. و پارتی بازی و برخورد مافیائی به بخشی از سیستم حکومتی و سرمایه داری تبدیل شده است.

کودکان کار که وجودشان ناشی از بحران اقتصادی و به فلاکت کشیدن خانواده های کارگری و کم درآمد است. برای سرمایه داری ایران نیروی کار جوان و ارزان بدون هیچگونه پشتیبانی قانون از آنها منبع



تداوم کشتار ... بقیه از صفحه اول

ننگ و نابودی ... بقیه از صفحه اول

مسئولیتی را به حد اعلا رسانده اند. نه از وسایل به روز شده و امنیت محیط کار، نه از پرداخت دستمزدها بطور مرتب، نه از آموزش خبری است، نه از آزادگذاشتن تشکلات مستقل در دفاع از کارگران توسط این رژیم خون آشام. در عین حال هیچ حق و حقوقی صنفی و سیاسی کارگران قانونی نیست و دزدی از امکانات و اموال های خصوصی و اجتماعی در ابعاد میلیاردی توسط حاکمان باعث شده است که کارگران در شرایط بسیار سخت تر کار کنند.

هیچ کارفرما و یا ارگان دولتی کشتار کارگران را به گردن نمی گیرند و نهایتاً موضوع به مرور زمان ماست مالی شده و به فراموشی سپرده می شود. اما این بار نباید مانند فروری سازی ساختمان پلاسکو و جان باختن دهها نفر، اجازه داد که رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران از زیر بار مسئولیت این حادثه شانه خالی کنند. (قوانینی که هیچ حق و حقوقی صنفی و سیاسی را برای کارگران قائل نیست و دزدی از امکانات و اموال های خصوصی و اجتماعی باعث شده است که کارگران در شرایط بسیار سخت تر کار کنند.)

حزب رنجبران ایران ضمن همدردی با خانواده کارگران جانبخته در این حادثه و کارگران گیر افتاده در اعماق بایستی به همت اعتراضات سراسری کارگران و زحمت کشان رژیم اسلامی را وادار به رساندن کمک های فوری به این عزیزان نموده و محاکمه ی عاملان کشتار توسط دادگاههای توده ای دشمنان کارگران را محکوم کنند.

**مبارزه در برسمیت شناختن حقوق پایه ای کارگران**

**کمک های فوری به کارگران گیر افتاده و خانواده های کارگران جانبخته**

**زنده باد تشکیل دادگاههای مردمی در محاکمه مقصران کشتار کارگران**

**حزب رنجبران ایران**

۲۰۱۷/۴/۱۰



در چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت امسال، به علت بروز انفجار در معدن ذغال سنگ در یورت شمال غربی استان گلستان، بیش از ۳۵ کارگر و در آخرین آمار ۴۳ کارگر به جان در عمق ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری از زیرآورد آوردند. علاوه بر تعداد جانبخته گان این عزیزان دهها نفر نیز مصدوم شده اند. عمق این گونه فجایع ناشی از عدم ایجاد امنیت محیط کار که در همین معدن بارها توسط کارگران درخواست شده بود، ترتیب اثر داده نشد و وقتی که در حادثه ی پلاسکو در وسط تهران نشان داد که تبدیل میدانهای کار به قتلگاه کارگران از حرص و آژورت اندوزی سرمایه داران برمی خیزد. در دیدار مقامات رسمی دولت از جمله حسن روحانی با پرتاب سنگ به حق کارگران روبه رو شد. برخی از این مقامات به جای زیر علامت سؤال بردن فقدان تدابیر امنیتی در این معدن، و قیحانه «مراعات نکردن امنیت محل کار» را به کارگران نسبت دادند! در حالی که کیفرخواست محکومیت معدن داران و حاکمان و دفاع از کارگران جانبخته و خانواده آنان باید به پرچم کارگران و زحمت کشان علیه نظام سرمایه داری در سراسر ایران تبدیل شود.

- در قتلگاه دیگر معروف به زندان اوین، یادگار رژیم منحوس سلطنتی و گسترش یافته توسط رژیم جمهوری اسلامی، از جمله معلم شریف و مبارز اسماعیل عبدی را به دلیل اتهامات واهی ساخته گی کاربدستان رژیم نسبت به معلمان برای جلوگیری از اتحادیه های سراسری معلمان در اعتراض به محکومیتش در بیدادگاهها، از ۱۰ اردیبهشت دست به اعتصاب غذا زده است که ادامه دارد. کم نیستند کارگران مبارز دیگری نیز به همین بهانه به سالها زندان محکوم شده اند!

- عزیز قاسم زاده معلم موسیقی دربندر انزلی و سخنگوی کانون صنفی معلمان استان گیلان به دلیل اجرای یک تصنیف شعر به درخواست دانش آموزان به مدت یک سال به شهر رودبار تبعید شد. آزار معلمان جهت به زانو درآوردن مقاومت و خواستهای آنان از جمله در حقوق ۴ برابر زیر خط فقر در سراسر ایران توسط رژیم حاکم با دخالت در امور آموزش و پرورش ادامه دارد!

- هنگامه شهیدی روزنامه نگار طبق اتهامات واهی دستگاه سرکوب رژیم در ۱۹ اسفند دستگیر و زندانی شد و در اعتراض

به این دستگیری بعد از ۲ ماه اعتصاب غذا و ترتیب اثر ندادن دستگاه قضائی از ۲۰ اردیبهشت اعتصاب غذای خشک را شروع کرد. علاوه بر شهیدی، چند فعال مدنی و اجتماعی نیز در اعتصاب غذا شرکت دارند. ضدیت رژیم جمهوری اسلامی با کارگران و معلمان پس از برگزاری روز جهانی کارگر و روز معلم و دیگر زحمت کشان به طور روشنی نشان دهنده ی آن است که این رژیم تا سرحد مرگش دست از سرکوب کارگران و زحمت کشان برنخواهد داشت و راه رهایی این اکثریت عظیم تشکیل دهنده ی جامعه ایران با نابودی نظام سرمایه داری گره خورده است. به این اعتبار:

**کارگر، معلم، دانشجو، پرستار، بازنشسته، هنرمند و نویسندگان و روزنامه نگار مترقی، در مبارزه مشترک علیه رژیم سرمایه داری پیوندتان از نظر توده های مردم مبارک خواهد بود.**

**آزادی کلیه زندانیان سیاسی خواست اکثریت مردم ایران و جهان است!**

**تداوم پراکنده گی دوام نظام سرمایه داری و کمک به بربریت این نظام است!**

**مرگ بر رژیم استثمارگر و آزادی کُش حاکم ایران!**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

**حزب رنجبران ایران**

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ (۱۰/۴/۲۰۱۷)



## انحرافات جدید رویونیستی را بشناسیم!

بخش اول - قدرت کمونیسم علمی در نقد گام به گام رشد پدیده های اجتماعی طبقات ضدانقلابی، تعیین سیاستهای کوتاه مدت و دراز مدت مبارزه علیه دشمنان در تلفیق تئوری با پراتیک و رشد دادن مسائل انقلاب اجتماعی کارگری کمونیستی در برابر تضادهای مشخص جدید آشکار جهانی است. به همین دلیل، کمونیسم علمی با هرگونه دید متحجر: آنارشیستی، اکونومیستی، اپورتونیستی، سازش کارانه مبارزه طبقاتی پروولتاریا و غیره، مبارزه کرده است. این دیدگاههای انحرافی هیچگاه قادر به کمک به پیشبرد مبارزات انقلابی طبقه کارگر در جهان نشده و تنها در لفاظی های مافوق چپ و راست جز به ایجاد اخلال در پیشروی مبارزات کارگران و از جمله رهبری احزاب کمونیست، پرونده ی مبارزاتی





درخشانی نداشته و برعکس صدمات فراوانی به این مبارزات زده اند که در زیر به مرور مختصری از آنها بپردازیم.

در دهه‌های ۱۹۰۰-۱۹۱۰ تعدادی از تشکلهای اپورتونیست راست و چپ با طرح مرحله‌ی انجام انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی در روسیه فنودال - امپریالیست زیر حاکمیت نظام سلطنتی استبدادی تزاری، تحت رهبری پرولتاریا با درک نادرست از ارزیابی از توانائی نیروی سازمان یافته طبقه کارگر در اتحاد با دهقانان، برخورد تسلیم طلبانه‌ای در مورد مرحله‌ی انقلاب بورژوا دموکراتیک بودن روسیه تحت رهبری بورژوازی داشتند. اینان تاکتیک حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه (حزب بلشویک به رهبری لنین) برای شرکت طبقه کارگر در انقلاب انقلاب بورژوا دموکراتیک و جلب نیروهای وسیع توده دهقانان به صورت متحد و ایجاد دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان را مورد حمله قرار دادند. آنها با غیرانقلابی خواندن دهقانان که اکثریت ساکنان روسیه را تشکیل می‌دادند با تحلیل لنین در دفاع از ضرورت اتحاد کارگران با دهقانان جهت پایان دادن به استعمار و ستم فنودالیسم برای ایجاد شرایط آماده‌گی مساعد گذار به انقلاب سوسیالیستی، به مخالفت پرداختند.

لنین در نکته ۱ "دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" اظهار داشت: "منظور از تاکتیک حزب روش سیاسی آن یا به عبارت دیگر خصلت و خط مشی و شیوه‌های فعالیت سیاسی آن است. کنگره حزب قطعنامه‌های تاکتیکی را بدین منظور صادر می‌نماید تا روش سیاسی حزب به مثابه یک واحد کل را نسبت به وظایف جدید و یا نسبت به وضعیت جدید به طور دقیق معین نماید. انقلابی که در روسیه آغاز شده است، یعنی جدائی کامل و قطعی و آشکار اکثریت عظیم مردم از دولت تزاری یک چنین وضعیت جدیدی را به وجود آورده است. مسئله جدید عبارت است از چگونگی شیوه‌های عملی... حال که مردم از دولت جدا شده‌اند و توده به لزوم استقرار نظم جدید پی برده است، حزبی که هدف و منظور خود را درسنگون ساختن حکومت قرار داده است ناگزیر باید در فکراین باشد که چگونه حکومتی را جای‌گزین حکومت قدیمی که باید سرنگون شود، بنماید. مسئله جدیدی در خصوص حکومت انقلابی موقت پیش می‌آید. برای این که جواب کاملی به این مسئله داده شود حزب پرولتاریای آگاه باید نکات زیرین را روشن نماید. **اولا اهمیت**

حکومت انقلابی موقت را در انقلاب جاری و به طور کلی در تمام مبارزه‌ی پرولتاریا؛ ثانیاً روش خود را نسبت به حکومت انقلابی موقت؛ ثالثاً شرایط دقیق سوسیال دموکراسی را در این حکومت؛ رابعاً شرایط فشار بر این حکومت را از پائین یعنی در صورتی که سوسیال دموکراسی در آن شرکت نداشته باشد، فقط در صورت روشن شدن کلیه این مسایل، روش سیاسی حزب در این مورد اصولی، واضح و پا برجا خواهد بود."

لنین سپس با اشاره به قطعنامه مربوط به حکومت انقلابی موقت در کنگره سوم حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه، چگونگی حل این مسایل را باز گو نمود و نوشت: "وظیفه‌ی ما اکنون این است که به پرولتاریا و تمام مردم نشان دهیم که شعار "انقلاب" کافی نیست و باید مضمون واقعی انقلاب به طور روشن، صریح، پیگیر و قطعی تعریف شود. و اما این تعریف شامل یگانه شعاری است که می‌تواند "پیروزی قطعی" انقلاب را به طرز صحیحی بیان کند و آن - شعار دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان است." (در نکته ۲ این کتاب)

تاریخ مبارزات انقلابی پرولتاریا و احزاب کمونیست در نیمه اول قرن بیستم صحت خط مشی جلب دهقانان به اتحاد مبارزاتی و تحت رهبری پرولتاریا در انجام انقلاب دموکراتیک که صورت گرفتند کیفیت نوین به وجود آمده از این انقلاب به سود پرولتاریا روشن شد که زمینه گذار به انقلاب سوسیالیستی فراهم گردید.

در این حرکت بخشی از بورژوازی را که از جمله مخالف سلطنت استبدادی و مالکیت فنودالی و دخالت امپریالیستی در آن کشور بود، در تعدادی از این کشورها در مرحله‌ی انقلاب بورژوا دموکراتیک قرار داشتن، احزاب کمونیست انقلابی با اتخاذ سیاست تاکتیکی دقیق موقت مانع از پیوستن این بخش از بورژوازی در رقابت با حاکمان و امپریالیسم و ناتوانی اش در کسب قدرت، در شرایط شاهد بودن شرکت مستقل مبارزاتی قهرمانانه‌ی کارگران و دهقانان علیه ضدانقلاب، و درامید به کشیدن این نیروی مبارز به زیر سلطه‌ی خود، حاضر به تشکیل اتحاد سیاسی جبهه‌ای با حزب کمونیست شد.

شرط اتحاد جبهه‌ای عبارت بود از: عدم جنگ بایکدیگر، پذیرش پیش بردن مبارزات مستقل نیروهای این جبهه و عدم وابستگی آنها به هم، و در صورت تخطی این بورژوازی در تجاوز به منافع کارگران و زحمت کشان تویخ شدید و نه نهائی و تاکید روی مبارزه

علیه نیروهای بورژوائی حاکم، واتحاد به طور موقت را تشکیل دادند.

پس از پیروزی این انقلاب امر گذار به انقلاب سوسیالیستی که طبعاً در مبارزه با این بخش از بورژوازی باقی مانده نیز به پیش برده شد و قدرت دولت کارگری سوسیالیستی را برقرار ساختند. مدافعان نظرات تروتسکی در درون حزب کمونیست از جمله در چین خواستار پرش از انقلاب بورژوا دموکراتیک به انجام قیام شهری انقلاب سوسیالیستی کارگران شدند. در آن زمان، طبقه کارگر تنها ۳٪ جمعیت چین را تشکیل می‌دادند و دهقانان ۸۰٪ جمعیت چین بودند و مناسبات فنودالی در چین برقرار بود. این نظر چپ روانه قیام شهری کارگران نه تنها باشکست سخت مواجه شدند بلکه رهبران این نظرات به ضدانقلاب حاکم چیان کایشک تسلیم شدند!

اما در شرایط فوق که قیام ۱۰ میلیون دهقان منطقه حونان مبارزه شدید دربراندازی فنودالها درس آموزنده‌ای بود که رهبری حزب کمونیست چین با تحلیل از قدرت ضدانقلاب حاکم در شهرها و وجود مناطق وسیع روستائی حلقه‌ی ضعیف حاکمین، راه مبارزه مسلحانه درازمدت از طریق ایجاد پایگاههای آزاد شده از سلطه‌ی فنودالها و نهایتاً محاصره شهرها و کسب قدرت را در پیش گرفتند. این تحلیل دقیق از وضعیت عینی موجود پیروزی درخشانی را برای به پایان رساندن انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری طبقه کارگر پس از ۲۲ سال مبارزه مسلحانه گذار به سوسیالیسم را فراهم ساخت. در حالی که نیروهای چپ و راست، پاسیو و لفاظ گو کوچکترین قدمی در خدمت به انقلاب کارگری و رهائی دهقانان و دیگر زحمت کشان برنداشتند و تسلیم حاکمان ارتجاعی شدند!

مثال دیگر توسط مارکس و انگلس در مورد فراهم بودن شرایط تکاملی در کشورهای پیش رفته سرمایه داری بروز انقلاب کارگری مناسب تشخیص داده شده بود. ولی با تکامل نظام سرمایه داری برخی از این نظام از رقابت آزاد به رقابت انحصارات در ربع آخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم گذار سرمایه داری به مرحله‌ی امپریالیسم و سیادت انحصارات رقابتی، تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی و به وجود آمدن رقابت امپریالیستها در گسترش جهان خواری، برای تقسیم مجدد مناطق زیر نفوذشان، به وجود آمدن حلقه‌های ضعیف در زیر سلطه‌ی امپریالیستها و بروز جنگهای جهانی امپریالیستی

**سرنگون انقلابی رژیم جمهوری اسلامی خواست مردم ایران است**



توسط لنین تحلیل شده و امکان درهم شکستن این حلقه های ضعیف بوجود آمد. در چنین شرایطی پیروزی انقلاب ضد سرمایه داری، تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست انقلابی از جمله در روسیه فئودال - امپریالیستی به وجود آمد و مراکز انقلاب جهانی از کشورهای امپریالیستی غربی غرق در مبارزات رفرمیستی جنبشهای کارگری، به کشورهای عقب مانده از جمله در شرق اروپا و آسیا انتقال یافت.

تاریخ حرکت انقلاب جهانی مَهر تایید را بر روی این تحلیل دقیق لنین در شرایط جدید بوجود آمده کوبید. اما احزاب سوسیال دموکرات به ظاهر "مدافع" دروغین نظرات مارکس و انگلس در گول زدن طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی، در تغییر ماهیت خود به احزاب رفرمیستی از شناخت تغییر اوضاع جدید تضادهای جهان ناتوان ماندند و حتی به جای دفاع از انقلاب کارگری اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه تحت رهبری حزب کمونیست شوروی به تخطئه آن تحت عنوان "کودتا"ی و نه انقلابی بودن، در لفافه ی "دموکراسی" به سرکرده گی کائوتسکی پرداختند و از جنگ امپریالیستهای شورخودی در جنگ جهانی نیز حمایت کردند و با شرکت در دولتهای امپریالیستی، احزاب سوسیال دموکرات تبدیل به سوسیال امپریالیست شدند که هنوز هم در این زمینه موجودند! با وجود پیروزیهای انقلابات دموکراتیک و سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر در گذشته، امروز تروتسکیستها و شبه تروتسکیستهای ایران، انقلاب دو مرحله ای تحت رهبری طبقه کارگر را در کشورهای نیمه فئودالی رد کرده و به همان گونه که آتارشیستها از محو بلاواسطه ی دولت پس از پیروزی انقلاب کارگری پیوسته دفاع کرده اند، اینان نیز انقلاب یک مرحله ای سوسیالیستی را در کلیه کشورهای ولو رشد نیافته، با پرش از نیمه فئودالی به سوسیالیستی، پایان دادن وظایف دموکراتیک با برچیدن نظام فئودالی تحت رهبری پرولتاریا را جایز نمی شمارند. این تنگ نظری ضد دیالکتیک ماتریالیستی و انحراف از کمونیسم علمی و درک تضادهای طبقاتی این جوامع از مرحله ی انقلاب دموکراتیک ایران در گذشته (از ۱۳۰۰ به بعد) قبل از حاکمیت سرمایه داری (از دهه ی ۱۳۴۰ به بعد)، شکست سختی را به حزب کمونیست جوان ایران وارد نمودند که در آن مرحله مناسبات فئودالی در ایران جنبه غالب را داشت. از دهه ی ۱۳۲۰ به بعد رهبری حزب توده ایران با ماهیت سوسیال دموکراتیک در

مبارزه علیه دخالتهای مستقیم امپریالیستها در مبارزه علیه امپریالیسم به دنباله روی از بورژوازی ملی پرداخت که حتی در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ این دنباله روی را از مذهبها ادامه داد. طبعاً در مرحله ی حاکمیت سرمایه داری در دهه ی ۱۳۵۰ به بعد و مشخصاً بروز انقلاب بهمن ۱۳۵۷، در شرایط فقدان حزب رهبری کننده کمونیست و هدایت مبارزه علیه نظام سلطنتی حتی به پایان رساندن بقایای وظایف دموکراتیک و گذار به سوسیالیسم نیز منوط به سازمان یافته گی طبقه کارگر از نظر سیاسی حزبی و مطالباتی، صورت نگرفته بود. جناح بورژوازی متوسط در همدستی با خرده بورژوازی در تبانی با امپریالیسم در زیر پرچم مذهبی به جای بورژوازی بزرگ، قدرت دولتی را غصب نمود و به سرکوب جنبش کارگری و گسترش اختناق فاشیستی پرداخت.

علاوه بر انحرافات فوق در گذشته تاریخی بعد از انقلاب بهمن، منصور حکمت در برداشتن پرچم اپورتونیسیم و رویزیونیسیم چپ با طرح نقطه نظرات شبه تروتسکیستی موفق تر از تروتسکیستها در تخریب مواضع کمونیستی و کارگری به نفع مسائل اصولی کمونیستی پرداخت:

نفی "آمختن از توده ها و آموزش دادن به توده ها" با برچسب "دیدگاه پوپولیستی" جدانمودن کومه له از داشتن پیوند و اعتبار در میان دهقانان کردستان را فراهم ساخت؛ رواج دادن نخبه گرایی همه فن حریف رهبر توده ها، بدون اینکه کیفیت خود را در هدایت مبارزه توده ها نشان داده باشند، به بروز سردرگمی نظریه پردازان با انشعاب از حزب کمونیست در فرقه های مختلف منجر شد؛ رواج دادن انشعاب گری با زیرپا گذاشتن مرکزیت دموکراتیک در حزب کمونیست ایران تازه تاسیس شده و پیش بردن مبارزه ایدئولوژیک ناسالم درون حزبی؛ از هم پاشاندن حزب تازه دست ساز خود که به قول زنده یاد شاهرخ زمانی باحیله "کارگر کارگری کردن" روشنفکران را مجذوب خود ساخت؛ طرح دید اکونومیستی از دیکتاتوری پرولتاریا با طرح موقتی بودن آن پس از کسب قدرت سیاسی پرولتاریا، و سپس عمده شدن امر پیشبرد اقتصاد سوسیالیستی که برخلاف آموزش مارکس این مقوله دوره تاریخی دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا را صریحاً در نقد برنامه گوتا جمع بندی کرده بود؛ طرح دموکراسی فراطبقاتی "آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی و تشکیلاتی" که اکنون

"موضع پروپا قرص" و ورد زبان بسیاری از جمله در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" شده است در مقابل آزادی بدون قید و شرط دفاع از سوسیالیسم در مقابل توطئه براندازی بقایای سرمایه داری و افشار خرده بورژوازی؛ حذف امپریالیسم از تبلیغات نظری به مثابه بالاترین مرحله ی سرمایه داری بر اساس دید ضد دیالکتیکی نفی مراحل مختلف تکامل بورژوازی است در دوره آخر حیات خود؛ تزییق ادعای دروغین "تاریخ شکست نخوردگان" جماعت خود در حالی که تحت هدایت وی هنوز "حزب کمونیست" دست سازش قدی راست نکرده بود به فرقه های مختلفی بازم به دست خودش تقسیم شدند که ضد نظر انتقادی داشتن به دیدگاهها و فعالیتها و تصحیح آنها بر اساس "انتقاد از خود" است؛ انکار وجود مبارزات ملی، نفی خصوصیات ملیت و جنبشهای ملیت گرایی و تنها سکوت تاکتیکی در مورد وجود جنبش ملی کرد که در درون آن فعالیت کرده بود؛ توجیه کودتا گرانه کسب قدرت با چند هزار عضو حزب به جای تاکید روی انقلاب کردن امر توده های میلیونی تحت رهبری حزب است؛ نفی دستاوردهای طبقه کارگر و حزب کمونیست شوروی در ساختمان سوسیالیسم و دفاع از رهبران تغییر ماهیت داده شده آن حزب به جای درک وجود مبارزه طبقاتی در درون آن حزب با منحرفان تروتسکیست؛ نفی ایجاد سندیکاهای کارگری تحت عنوان ماهیت بورژوائی آنها و ایجاد شوراهای کارگری در شرایط مبارزاتی کارگران؛ و نظرات دیگر رسوخ داده شده در جنبش کارگری، چنان هاله ای در لفاظیهای اپورتونیستی چپ به ویژه در میان روشنفکران متمایل به کمونیسم به وجود آورد که زمینه ساز فرقه گرایی در میان آنان توجیه پذیر گشت. وی با آمخته های شبه تروتسکیستی خود که از خارج به ایران وارد کرده بود توانست با به انحراف کشیدن سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان - کومه له - به مثابه گاو ۹ من شیر ده ایجاد "حزب کمونیست ایران" از وحدت کومه له و اتحاد مبارزان را ایجاد کند و با لگدی این حزب را از هم پاشاند!

در این حرکت علاوه بر رویزیونیسیم چپ که با پرچم "حکمتیسم" انحرافات فوق ادامه یافت، رویزیونیسیم راست نوع "راه کارگر"ی نیز در به راه انداختن "پلورالیسم تشکیلاتی" و "اتحاد ژله ای" و لذا اتحاد نوع جبهه واحدی کمونیستها و چپها با هم به جای برافراشتن پرچم وحدت اصولی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک ایجاد حزب

**پابوسی امپریالیست ها**

چند سالی که مجاهدین در خارج از کشور و بویژه بعد از ایجاد شورای ملی مقاومت به تکاپو افتاده اند که با تأییدیه گرفتن از امپریالیست های غربی بویژه راست ترین جناح های مرتجع آنها کمبودهای نیرو و امکانات مالی و تسلیحاتی و نیز تبادل اطلاعاتی جانی برای بازی شطرنج امپریالیست های غربی بر سر قدرت آینده سیاسی در ایران باز کنند. البته این روند یک روزه انجام نگرفته است و مجاهدین طی یک پروسه چندین ساله قدم به قدم خود را به سیاست های امپریالیستی در منطقه تحت عنوان مبارزه با رژیم اخوندی (و نه رژیم جمهوری اسلامی) نزدیک کرده و از سیاست دشمن دشمن من دوست من است پیروی می کند. کنفرانس های نمایشی آنها مملو از نمایندگان راست ترین جناح های هار امپریالیستی مانند مک کین و... هستند. آنها در مناطق درگیری های گرهی در خاورمیانه مثل سوریه و یمن و عراق از مرتجع ترین نیروها حمایت می کنند البته در منطقه خاورمیانه و ایران نیروهای دیگری هم که خواهان گرفتن کمک از اسرائیل و گذاشتن خط قرمز هوانی بر روی برخی از مناطق کردستان ایران هستند ولی آنچه که مجاهدین را از دیگر نیروهای مشابه جدا می کند وقاحت و بی شرمی خاصی است که آنها در پیشبرد سیاست های امپریالیستی در پیش گرفته اند. اگر در بدنه آنها هنوز مقاومتی در رابطه با اسرائیل بعلت سابقه گذشته این سازمان وجود دارد ولی عربستان سعودی کشوری نزدیک و آماده برای دست گدائی دراز کردن است.

اینکه سازمان مجاهدین خلق این چنین دوا سبه بطرف ارتجاع و عقب ماندگی می تازد اولاً به ماهیت این سازمان و در ثانی به تغییرات سیاسی که در سطح جهانی و منطقه ای در حال وقوع است ارتباط پیدا می کند.

سازمان مجاهدین خلق بعنوان یک سازمان مذهبی با آرمان های خرده بورژوائی پا به عرصه مبارزه گذاشت. مبارزه سخت طبقاتی در ایران این سازمان را به دو شقه کرد بخش مارکسیستی آن جدا شده و سازمان پیکار را بوجود آوردند و بخش دیگر که بر سر خرافات مذهبی اسلامی ایستاده بود سعی کرد در بعد از انقلاب با "تبیین جهان" نوشته مسعود رجوی خود را به لحاظ ایدئولوژیک مجدداً نوسازی کند. جو انقلابی و تحکیم مذهبی ها بر جنبش سال های ۵۶-۵۷ این امکان را به مجاهدین داد که به یک

طلبی و دامن زدن به تشنت نظری و عملی و تشکیلاتی، در دایره منحوس به دور خود گردیدن باقی مانده و بدون انتقاد ایدئولوژیکی عمیقی از این انحرافات، پیشروی به دست نخواهند آورد. این وضعیت تا بدانجا پیش رفته که برخورد انتقادی از نظرات انحرافی و حتا به صورت خصمانه خودنمایی می کند که نشانه ی درجه ی عمیق ریشه یابی نظرات خرده بورژوائی در تشکلهای موجود می باشد. در حالی که بعد از دهها سال پراکنده گی و فرقه گرایی زمان نقد نظرات بدون پایه مادی و عملی تغییری کیفی می تواند در رشد جنبش کمونیستی مسلح به تئوری و پراتیک انقلابی و نفی فرقه ها فراهم کنند. بیان این تاریخ گذشته در سه چهار دهه ی اخیر تلخ در مورد مراحل مختلف انحرافات، صرفاً برای جلب توجه رفقای کمونیست و بخصوص در میان فعالان کمونیست کارگر به برخورد انتقادی و افشاگرانه نظرات جدید پست مدرنی انحرافی در ضدیت با آموزشهای کمونیسم علمی و "تأوری" های بی پایه و مایه، ضرورت حیاتی به انسجام تئوری و پراتیک مبارزه جویانه دیالکتیکی جنبش کمونیستی و کارگری در ایران دارد. در زیر به برخی از نا رسائیهای موجود کنونی چه در تحلیل طبقاتی نظام سرمایه داری و چه ضرورت اتخاذ تاکتیکهای انقلابی نیز بین دیدن پیچ و خمهای مبارزاتی دیالکتیکی و نه "یا زندگی زنگی، یا رومی رومی!" اشاره خواهد شد، تا در شرایط جدید صف آرائیهای متمایز میان نیروهای انقلاب و ضدانقلاب، سیاستهای مشخص انقلابی کنونی دقیقاً تعیین شوند و کمونیستهای جدی در درون این تشکلهای فرقه ای به تعمق بپردازند:

ادامه دارد



**بجز نوشته هایی که با  
امضای تحریریه منتشر می  
گردد و بیانگر نظرات حزب  
رنجبران ایران می باشد،  
دیگر نوشته های مندرج در  
نشریه رنجبر به امضا های  
فردی است و مسئولیت آنها  
با نویسندگانشان می باشد.**

کمونیست انقلابی در ایران؛ تبلیغ بی اهمیت بودن دیکتاتوری پرولتاریا که "تنها دو سه بار توسط مارکس بیان شده" و این برخورد بغایت غیر مسئولانه از ماهیت ضرورت و اعمال دیکتاتوری دولتهای طبقاتی، ولو توسط طبقه کارگر و ایجاد شک درآموزه های مارکس، مغشوش نمودن نقش مانیفست حزب کمونیست با تکیه روی مانیفست کمونیست بودن در شیپور تبلیغاتی اش دمید؛ پلورالیسم سیاسی و مهرزدن بر عدم ضرورت ایجاد حزب کمونیست از انحرافات دیگر دامن زدن به فرقه گرایی این تشکل از موضع غیر پرولتاری برمی خیزد. این اپورتونیستهای راست و چپ و رویزیونیستهای راست و چپ ادامه دهنده گان رویزیونیسم تاریخی در مرحله ی پست مدرن می باشند. طرح "انقلاب انسانی" از بروزات تحریف طبقاتی بودن انقلاب کارگری و نه تمامی انسانها از آخرین انحرافات اپورتونیستهای کارگرکارگری است! بیان انحراف رویزیونیستی دیگر در نفی ضرورت ایجادحزب کمونیست و در مقابل آن الترنا تئو شوراهای کارگری توسط محسن حکیمی؛ تاکیداتحاد سیاسی پایدار کمونیستها و چپها توسط رهبری سازمان فدائی اقلیت که دید ایستا بودن سیاست در گذشت زمان را القاء می کند؛ قطب سازی با کمونیستها و چپها توسط رهبری حزب کمونیست ایران؛ و یا دقیقتر کل تشکلهای "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" از دراهتر از نگه نداشتن پرچم ایجاد حزب واحد کمونیست نه تنها در ایران بلکه در سطح کمونیستهای جهان به جبهه سازی التقاطی کمونیستی و چپها تقلیل داده و مرکز رهبری کننده حزب کمونیست انقلابی کارگران را در عدم تشکیل آن عملاً درطبق اخلاص فراموشی گذاشته اند که مورد تأیید ضمنی دشمنان طبقه کارگر می باشد؛ افول نقش طبقه کارگر ناشی از رشد تکنولوژی صنعتی توسط تشکلاتی، مجموعه ای دیگر از انحرافات پست مدرن عمده ضد کمونیسم علمی در درون جنبش کارگری آگاه ایران رسوخ داده اند که به طور جدی حتا علت وجود جامعه سرمایه داری ناشی از استثمار نیروی کاریدی و فکری، و حتا وجود خود این نیروی عظیم جهانی تولیدگر و خدمات ده انکار می شود. زدودن این نظرات انحرافی اهمیت زیادی در مسلح شدن طبقه کارگر آگاه ایران در ایجاد حزب کمونیست انقلابی اش دارند. نادیده گرفتن این مبارزه آگاهانه با رفرمیسم، اکونومیسم، اپورتونیسم، فرقه گرایی، انحلال

**نه به انتصابات نه به رژیم اسلامی ایران**



نیروی بزرگ سیاسی تبدیل شوند. در عین حال سرکوب خواست های مردمی در همان زمان توسط رژیم جمهوری اسلامی مجاهدین را هم از عرصه یک نیروی موثر اجتماعی به بیرون از ایران راند.

عدم پیروزی مجاهدین در کسب و یا شریک شدن در قدرت سیاسی همراه با دیگر مذهب‌یون نظیر خمینی. آنها را بطرف اپوزیسیون راند. تا این زمان مجاهدین خود را بخشی از نیروی انقلابی و رادیکال می دانست که خواهان عدالت اجتماعی و... بود. البته تبیین جهان قبلا این سازمان را برای ورود به عرصه بنیادگرایی اسلامی آماده کرده بود. وقتی در عراق آمریکائی ها مجاهدین را تحت عنوان همسوئی با صدام تحت فشار سیاسی گذاشتند آنها اعلام کردند که به مالکیت خصوصی اعتقاد دارند، با رژیم صدام همکاری نمی کنند و خواهان صلح هستند. دادن تضمین به آمریکائی ها در رابطه با اعتقاد به مالکیت خصوصی چراغ سبزی بود برای شروع یک نزدیکی که بعدها ما شاهد حضور دائم و پیگیرانه عناصر مجاهدین در کریدورهای مجالس و نهادهای مختلف دولت آمریکا و اروپا بودیم. آنها با نزدیکی با نمایندگان راست جناح ها برای خود لابی هائی دست و پا می کردند تا بتوانند فشارهای سیاسی به خود را از این طریق کم کنند. امپریالیست ها برای تسلیم کامل، آنها را با عناوینی از قبیل در لیست تروریست ها و غیره جا می دادند تا بتوانند بیشتر آنها را به تسلیم وا دارند. موضوعی که مجاهدین امروزه به آن افتخار هم می کند. اما در حمله به منتقدین رادیکال و سوسیالیست خود نه تنها هیچ چیز قابل دفاعی ندارند بلکه با مهر رژیمی به هر مخالفی زدن، نشان داده اند که در آینده آنها همچون دیگر سرکوبگران اجتماعی مانند رژیم جمهوری اسلامی عمل خواهند کرد. در شرایطی که آمریکا و اتحادیه اروپا از موضع تهاجمی وارد سوریه شده بودند. مجاهدین بدون هیچگونه مکثی سریعا در دفاع از اپوزیسیون مرتجع و دست ساز سوریه بخاطر نشان دادن عبودیت خود به غرب از یک سو و نزدیکی حکومت بشار اسد به رژیم جمهوری اسلامی وارد عمل شد. سیاستی که در اغلب نقاط بحرانی از جانب آنان اتخاذ شده است. مجموعه رفتار و عملکردهای کنونی مجاهدین آنها را به یک نیروی مرتجع و عامل دست امپریالیست های تبدیل کرده است. که گاهگاهی فقط ببرد کارت های فشار سیاسی به رژیم مرتجع اسلامی می خورد. آنها نیرویی هستند که

اپوزیسیون مترقی و کارگران و زحمتکشان ایران باید افکار و عملکردهای آنها را مانند سلف شان، رژیم اسلامی افشا کنند. بدون افشا نیروهای مرتجع و عقب مانده ای نظیر جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب ایران قادر به پیروزی نخواهد بود.

مهران پیامی



## اول ماه مه روز همبستگی کارگران

اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان در سراسر جهان برگزار شد. از دماغه امید در آفریقا گرفته تا هاوانای دریای کارائیب همه جا کارگران در صحنه بودند و نشانی از ملا و شیخ، کشیش و اسقف و راهبه در کار نبود. همه جا پرچم سرخ و سرود تاریخساز همبستگی کارگران جهان و اتحاد بزرگ مردمان ضد امپریالیست، ضد فاشیسم علیه دشمنان بشریت و برای دنیائی بدون استثمار و بدون ستم.

در ایران هم با تمام اقدامات امنیتی علیه برگزاری روز کارگر قشون عظیم کار و زحمت پانزده میلیونی با ابتکار همیشگی خود

توانستند توانائی خود را در برگزاری اول ماه مه نشان دهند. در جایی کارگران گل پخش می کردند و جا لب اینجاست ضمن مورد استقبال قرار گرفتن، رهگذران آگاه بودند که به چه مناسبتی است و به آنها تبریک می گفتند. این نود و ششمین سالی بود که کارگران در ایران به استقبال روز کارگر می رفتند. گلگشت های کارگری همراه با خانواده ها یکی دیگر از ابتکاراتی بود که کارگران آگاه و پیشرو در شرایط سرکوب و خفقان کنونی ایران بکار گرفتند تا نشان دهند روز کارگر تعطیل بردار نیست. روز کارگر ریشه در تاریخ صدساله ی جنبش کارگری دارد و سمبل یکی بودن و عظمت یکپارچگی طبقه کارگر علیه سرمایه داری و کل نظام حامی آنست. مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست فریاد خود را علیه فرقه گرایی رهبران احزاب و تشکل های طرفدار طبقه کارگر با گفته ای زیبا و پر اهمیت چنین بلند می کنند: طبقه کارگر با خیزش خود فرقه ها در درون جنبش خود ذوب می کند. در روز اول ماه مه در سراسر جهان، در جا هائی که کارگران علنی به میدان آمده بودند ده ها دسته و گروه با شعار ها و نشان های گوناگون در کنار هم و در همبستگی با طبقه

کارگر رژه می رفتند. آنارشئیستها با نقاب و پرچم سیاه، تروتسکیستها با شعار های ضد استالینی خود، کمونیستهای ضد امپریالیست با شعار های ضد ترامپ اما جا لب ترین نمایش کمونیست ها و چپ های ایرانی بودند، از ملیت های گوناگون ایرانی کرد و آذری و عرب و بلوچ و افغانستانی، از لنینیست تا تروتسکیست و مائویست همه در داشتن پرچم سرخ در دست مشترک بودند ولی مهتر اینکه در هدف گرفتن دشمن مشترک یعنی سرنگونی رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران کنونی جمهوری اسلامی هم زبان و متحد. این از یک سو نشان دهنده قدرت طبقه کارگر است که در روز همبستگی جهانی اش همه ی تشکل ها را بروی یک راه و یک راه پیمائی رهنمون می گردد و از سوی دیگر رشد آگاهی تشکل های چپ و کمونیستی ایرانی است که در عمل و در روز کارگر هدف مشترکی را دنبال می کنند. بی شک هر چه طبقه کارگر ایران بتواند در عمل جنبش خود را با آگاهی بیشتر بعنوان یک طبقه در برابر بورژوازی پر توان تر کند، احزاب و تشکل های موجود بیشتر قانع می شوند که باید یکی شوند و از ایسم های خرده ریز خود دست بر دارند و تنها یک ایسم به پرچم همگانی تبدیل نمایند: کمونیسم



## نگاهی به یک اطلاعیه مشترک

چندی پیش در کردستان عراق ی ۶ سازمان کرد (بخش ایران) طی یک کنفرانس مشترک اطلاعیه ای را صادر کردند که مضمون آن تحریم انتخابات ریاست جمهوری در ایران بود که امر بسیار خوبی است و جلوی توهم پراکنی نسبت به شرکت در انتخابات را می گیرد. احزاب و سازمان هائی که این اطلاعیه را صادر کرده بودند. صرفا از زاویه کرد بودن و مخالفت با انتخابات آنرا امضا کرده بودند و در بسیاری از موارد سیاسی، ایندئولوژیکی با هم اختلافات جدی دارند که همین نکته سئوالاتی را در رابطه با کار مشترک با کی و با چه اهدافی رویروی همه نیروها و فعالین سیاسی انقلابی قرار می دهد. بطور مثال یکی از نیروهائی که این اطلاعیه را امضا کرده است کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران است که در کنار احزابی که بطور علنی خواهان





کرمک از اسرائیل و گذاشتن خط پرواز ممنوع هوایی در کردستان ایران و تبدیل ایران به عراق و لیبی و سوریه است، قرار دارد. متأسفانه سیاست های به نعل و به میخ به نوعی گریبانگیر بسیاری از نیروهای سوسیالیست و مترقی ایران هم شده است که باید جلوی آن ایستاد.

روشن است مخالفت با انتخابات ریاست جمهوری در ایران نه مخالفت با انتخابات بلکه با نمایش انتخاباتی و یا انتصابی است که رژیم جمهوری اسلامی به آن دست زده است. موضع ما برای این مخالفت دفاع از اصل دموکراسی پیگیر و مردمی شورائی، دفاع از عدالت اجتماعی و حق رای واقعی مردم است. برای کسب خواست های پایه ای مردم در امر انتخابات و قدرت سیاسی در ایران اولین اصل وجود یک جامعه نسبتاً با ثبات و دموکراتیک است. در جامعه ای که نه از احزاب سیاسی خبری است و نه از قانون و هرج و مرج و اسلحه حرف اول و آخر را می زند. آیا می توان در مخالفت با نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی به قهقرا برگشت و خواهان جامعه ای همچون لیبی شد. آیا یک نیروی سیاسی آنهم کسانی که ادعای دفاع از کارگران و زحمتکشان ملت خود را دارند حق دارد با چنین نیروهائی اطلاعیه مشترک صادر کند مگر این که خود دچار توهم سیاسی باشد.

ع.غ



## درسهای صدمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ ، زنده و آموزنده اند:

(۱) - بدون مسلح شدن به تئوری انقلابی کمونیسم علمی و تلفیق آن با شرایط مشخص انقلاب در هر کشور، در مورد کسب قدرت سیاسی بر اساس دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا و دموکراسی شورائی، تغییر در هر کشور و جهان متکی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و تبدیل آن به مالکیت عمومی به سوی تعمیق سوسیالیسم ممکن نیست. در آن زمان رهنمودهای مارکسیسم، روشنی بخش مبارزه طبقاتی طبقه کارگر جهان و روسیه بود که با تغییرات عینی بوجود آمده توسط لنین در جمع بندی تکامل این تئوری در شرایط جدید صورت گرفت؛

(۲) - بدون نیروی مادی شرکت کننده در

تغییر جهان تنها با پذیرش آگاهی و برنامه کمونیستی فاقد پایه توده ای از جنبش کارگری پیروزی موثر واقع نمی شود. ایجاد حزب سیاسی پیشرو کمونیست هدایت کننده راستین فعالان کارگری کمونیست در این حزب، متشکل کردن عناصر مبارز کارگر و زحمت کشان دیگر از این طریق نیروی مادی آگاه تغییر جهان فراهم شد؛

(۳) - برنامه حزب کمونیست (بلشویک) روسیه، با انعکاس خواستهای رهائی طبقه کارگر و زحمت کشان و برای تحقق آن، روی ضرورت توجه و اتخاذ تاکتیکها و استراتژیهای دقیق عمیقاً الهام گرفته از اوضاع عینی این خواستها و لذا به کار گرفتن ماتریالیسم دیالکتیکی در برخورد به بررسی و پیشنهاد هرسیاستی در پیشروی مبارزه طبقاتی کارگران، صحت این ارزیابیها را در مبارزات خود نشان دادند؛

(۴) - مبارزه با پاسیویسم در درک متحجرانه و پاسیو بروز انقلاب صرفاً در کشورهای پیشرفته سرمایه داری به بهانه ی نظر مارکس و انگلس، درحالی که با گذار نظام سرمایه داری از مرحله ی رقابت آزاد به مرحله ی رقابت انحصارات، به وجود آمدن رشد ناموزون نظام سرمایه داری و حلقه های ضعیف زنجیر اسارت امپریالیستی، امکان پیروزی انقلابات تحت رهبری حزب کمونیست طبقه کارگر و بسیج توده های وسیع زحمت کش در دیگر کشورها فراهم شده است در تحلیل مشخص از شرایط مشخص آن زمان روسیه بود که پیروزی عظیمی برای جنبش جهانی طبقه کارگر به همراه داشت.

(۵) - مبارزه با نظرات انحرافی رویزیونیستی در قالب فرمیسیتی، اکونومیستی، شووینیستی، اپورتونیستی راست و چپ، انحلال طلبانه ی فرقه گرائی و شیوه تفکر سوپژکتیویستی، لیبرالیستی، سکتاریستی و دگماتیستی در برابر "کارگران همه کشورهای جهان متحد شوید!"، "کارگران و ملل ستم دیده کشورها متحد شوید!" توسط احزاب سوسیال دموکرات با شیوه تفکر خرده بورژوائی و بورژوائی قرار گرفتند، و میدان جدید مبارزات نظری را در دفاع قاطع علیه انحرافات ضدپرولتری بدون مماشات گشود؛

(۶) - پیوند فشرده حزب کمونیست را در هر کشور با طبقه کارگر و توده های وسیع مردم از طریق شرکت در مبارزات کارگری و توده ای و "آموزش از توده ها و آموزش به توده ها" به مثابه پیوند "ماهی در آب اقیانوسها" و بی هراس از مرگ و از زندان چنان نیروی محکم و استوار و پیگیری را به وجود آورد که انقلاب پرولتری را به

پیروزی و کسب قدرت قهرآمیز رهنمون شد و نه تبدیل شدن به ارباب آن؛

(۷) - پیروزی این انقلاب شکاف مهمی را در جهان علیرغم حاکمیت امپریالیسم جهانوار ایجاد نمود که نه تنها در کشور شوراهای نظام سوسیالیستی را تحت دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا، دموکراسی شورائی، کنترل کارگری، کمک تعیین کننده ای به ایجاد انترناسیونال کمونیستی اول (۱۹۱۹) با شرکت احزاب کمونیست فراهم نمود و شوروی به پایگاه انقلابی کارگری جهان تبدیل شد؛

(۸) - با طرح اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان را در هدایت انقلاب بورژوا - دموکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر جهت به پایان رساندن وظایف دموکراتیک مرحله ی این انقلاب، گذار به انقلاب سوسیالیستی را به انجام برساند؛

(۹) - مبارزه با خرابکاری خرده بورژوائی و بورژوائی داخلی و مداخلات کشورهای امپریالیستی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اکثراً در به شکست کشاندن ادامه شدت گرفت. وقتی که این نیروهای ارتجاعی در مخالفتهای آشکار ناکام ماندند، سیاست محیلانه و خطرناک "فتح دژ دولت سوسیالیستی و احزاب کمونیست از درون" را شروع کردند که اخلاص تروتسکیسم در دو دهه های اول و دوم پس از انقلاب اکثراً صدمات شدیدی به پیشروی انقلاب زد که مقدمه ی این ضدیت تخریب سوسیالیسم بود؛

(۱۰) - ناشی از شناخت عمیق از طبقات و مبارزات طبقاتی، اتخاذ سیاست و تاکتیکهای ماتریالیستی - دیالکتیکی هوشمندانه و انعطاف پذیر و بدون سازشکاری هنر بزرگ لنین در پیروزی انقلاب اکثراً بود که مانع تدهون نیز با بیان اینکه "سیاست و تاکتیک حیات حزب است، رفقای رهبری در درجات مختلف باید بدان توجه فراوان مبذول دارند و در اجرای آن نباید به هیچ وجه اعمال بی مبالاتی از خود نشان دهند" انعکاس حرکت پیروز جنبش کارگری در روسیه تحت رهبری لنین کبیر نیز بود که مورد تایید این استراتژی بزرگ پرولتری قرار گرفت که دومین انقلاب بزرگ کارگری دموکراتیک نوین را (در اکتبر ۱۹۴۹) در چین به ثمر رساند؛

(۱۱) - آموزشهای فراوانی از پیشروها و عقب نشینیها در جریان تحقق اهداف انقلاب اکثراً و بعد از برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، و کنترل کارگری و غیره ارزشمندند که در این محدوده مجال نیست. مع الوصف امروز قبل و بعد از انقلاب اکثراً اثبات شد که



دهقانان بی زمین و فقیر را متحدین پرولتاریا خواند و در ضمن تاکید کرد پرولتاریا در شرایط نوین تاریخی وظیفه‌ی ادامه انقلاب بورژوا-دمکراتیک را تا آخر بعهدہ دارد و پس از گذشت این مرحله بدون هیچگونه ایستی دست به انقلاب سوسیالیستی می زند و موکدا یاد آور شد همه‌ی این روند بزرگ تاریخی تحت هژمونی پرولتاریا صورت می گیرد.

این تحول بزرگ تئوریک و پس از آن پیاده کردنش در کشوری با بیش از ۸۰ درصد نیروی دهقانی وابسته به نظام قبل از سرمایه داری و از سوی دیگر افزودن خلق های چهار ن تحت ستم امپریالیسم به ارودی عظیم کار جهانی تغییر شگرفی در استراتژی پرولتاریا برای تسخیر جهان بوجود آورد. شعار کارگران و خلقهای ستمدیده جهان متحد شوید به پرچم توده های وسیع مردم جهان بویژه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تبدیل شد. سیزده سال مبارزه ی بی امان بلشویسم علیه اپور تونیسیم که محتوای طبقاتی اش خدمت به بورژوازی انحصاری و بزرگ اروپا بود، شرایط را برای پیروزی تز های معروف به آپریل لنین فراهم آورد

محتوای طبقاتی کلیه انحرافات از کمونیسیم علمی در دوران طولانی صف آرائی پرولتاریا در برابر بورژوازی زیر هر نامی باشد و با هر ویژگی خود را نشان دهد واز هر پوشش تقلبی هم که استفاده کند خدمت به بورژوازی است. بورژوازی تنها طبقه ایست که صاحب بیش از نود درصد سرمایه جهانی است. تنها این طبقه است که دشمن اصلی و پر توان پرولتاریا بوده و هست. برجسته کردن نقش خرده بورژوازی و برگرداندن آتش حمله از روی خود طبقه بورژوازی با تمام امکاناتش در همه ی سطوح و غلو کردن در نقش سرمایه داری خرده پا و بی رمق که ریز و پراکنده در چرخ تولید انحرافی است که در آخرین تحلیل به خود مرکز بینی کمونیسیم اروپائی خدمت می کند.

کارگران ایرانی به شکرانه ی انقلاب اکتبر و در مکتب بلشویسم حزب کمونیسیت ایران را بوجود آوردند و مبارزه تاریخی طبقه پر افتخار کارگران ایران را برای ایجاد ایرانی خالی از ستم و استثمار پایه ریختند.

وفا جاسمی.



بودند. کارگری در سکوی سخنرانی ایستاده بود، برای من تغییر بزرگی بود، آنچه تا آن زمان تجربه کرده بودم به منبر رفتن آخوند ها را دیده بودم. همه چیز رنگ و روی دیگری داشت. پرچم سرخ به اهتزاز. کارگری هم در مقام سخن ران. چه تغییری، تغییری بس بزرگ، تاریخی و سر نوشت ساز که دوران نوینی را در زندگی بشریت آغازگر شد. طبقه ای نوین که مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیسیت او را گور کن سرمایه داری نامیدند روی صحنه آمده بودند. انقلاب اکتبر به پرچم آزادی طبقه کارگر جهان تبدیل شده بود و در سراسر جهان از جمله ایران سوسیالیسم به برنامه ای قابل لمس و قابل دسترس تبدیل شده بود.

شوروی نه تنها با انقلاب خود قدرت ارتجاعی و استبدادی سلطنتی تزار را سرنگون کردند بلکه برای اولین بار طرح نوینی براساس مالکیت عمومی و وسائل تولید ریختند و برداشت را بر اساس کار گذاشتند و یک کشور عقب مانده را به کشوری مدرن و پر قدرت تبدیل کرده بودند.

در این صد سال میلیون ها حرف در باره ی انقلاب اکتبر گفته و هزاران تفسیر نوشته شده است. بنظر من از میان همه اینها یکی از مهمترین ها چنین است: لنین معمار انقلاب اکتبر توانست در تئوری و عمل پرولتاریای شوروی را با پیروزی در انقلاب اکتبر، مرکز تغییر جهان را از اروپا باختر به خاور و آسیا تغییر دهد. این نه اینکه یک امر اراده گرانه ای بود بلکه بر اساس سنگ خارا فاکت های تغییر یافته جهان عینی، تکامل سرمایه داری به مرحله ای انحصاری قرار داشت آنچه او کرد توانست این تغییر عینی را باز شناسد و روش و سیاستی را بسود انقلاب پرولتاریائی در عمل پیاده کند. او توضیح داد.

اروپا دیگر با غارت مستعمرات و نیمه مستعمرات، پرولتاریائی را که توانست درهای زندان باستیل را بگشاید و نوید آزادی و برابری را به جهان می داد به ریزه خوار انحصارات خود تبدیل کرده است. سوسیال - دمکراسی بویژه حزب سوسیال دمکراتیک آلمان کل جنبش پر افتخار کارگری را به دنباله بورژوازی فربه شده ی اروپائی تبدیل کردند. اما حزب بلشویک به رهبری لنین وفادار به آموزش های مارکس و انگلس، با تلفیق اصول آن به اوضاع تغییر یافته با تکیه به کارگران متشکل و پیشرو در صنایع متمرکز روسیه، با تحلیل درست و براساس تحقیق و بررسی از شرا نظر روسیه

بدون مبارزه با رویزیونیسم در مراحل مختلف کهن، مدرن و پست مدرن که در حمله به کمونیسیم علمی تبلور یافته اند و از جمله بدون مبارزه قاطع با فرقه گرائی خرده بورژوائی و از جمله در دوره کنونی ایجاد چندین "حزب کمونیسیت دریک کشور"، پیش نبرد مبارزه ایدئولوژیکی اصولی با نظرات انحرافی براساس تصمیمات متکی بر مرکزیت - دمکراتیک در طرد این یا آن دیدگاه انحرافی، و یا در مورد کم رنگ نشان دادن نقش طبقه کارگر در انقلاب سوسیالیستی و ادامه انقلاب تا به آخر با توجیه رشد و وسایل تولید پیشرفته و از دور خارج شدن بیشتر نقش مولد نیروهای کارگر ضروری است. و بالاخره یافتن پیوند فشرده با مبارزات کارگری و توده ای و تهیه ی مانیفست حزب کمونیسیت امروزی در مبارزه با التقاط گریهای ضدپرولتری به روز کردن کمونیسیم علمی وفاداری به تداوم انقلاب اکتبر است. از آموزشهای انقلاب کبیر اکتبر بیاموزیم از مبارزات و پیروزیهای بعد از انقلاب اکتبر در جهان امروز و شکستها جمع بندی کنیم زنده باد اتحاد کارگران کشورهای جهان و انترناسیونالیسم پرولتری

پیش به سوی ایجاد احزاب کمونیسیت در پرتو کمونیسیم علمی در هر کشور

حزب رنجبران ایران

۱۰ مه ۲۰۱۷



## انقلاب کبیر اکتبر دنیائی را تکان داد

در صد مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر، پرولتاریای جهان، احزاب و تشکل های چپ و کمونیسیت و سوسیالیست به استقبال آن رفته اند و هر روز بر این جنبش یادگیری از انقلاب اکتبر افزوده می شود.

اولین بار نام انقلاب اکتبر را از یک کارگر شرکت نفت کرمانشاه شنیدیم، از یک کارگر کرد کرمانشائی در میتینگ در میدان گاراج که پرچم سرخ بر افراشته بود. شاید اول ماه مه پس از پیروزی کشور شوراها و خلق های جهان بر فاشیسم هیتلری بود. میدان پر از کارگران بود و ما هم به تشویق و با راهنمایی یکی از آموزگان زن به آنجا رفته بودیم. چه شور و شوقی بر پایود و جوانان سرود خوانان صفای ویژه ای به متینگ داده

دست امپریالیست ها از کشورهای تحت سلطه کوتاه



## جنگ جدید کره می تواند در هر لحظه از نو آغاز گردد

وزیر امور خارجه چین فغان ز جغد جنگ و مرغ آوای اس-یو- در مورد جنگ احتمالی با کره شمالی

۱۴ آوریل ۲۰۱۷

"ما وارد جنگ می شویم اگر آنها این راه را انتخاب کنند": کره شمالی به ترامپ "متجاوز" هشدار می دهد، پیونگ یانگ را تحریک نکنید مردم در یک ایستگاه راه آهن در سئول، ۵ آوریل ۲۰۱۷ اخبار تلویزیونی را تماشا می کنند که فیلم پرتاب یک موشک کره شمالی را نشان می دهد

JUNG YEON-JE / AFP

وزیر امور خارجه چین هشدار داد که احتمال درگیری مسلحانه با کره شمالی ممکن است "در هر لحظه" آغاز گردد و اصرار می ورزد که واشنگتن و پیونگ یانگ در شعارهای جنگ طلبانه خود تعدیل کنند و پی ببرند که چه قیمتی برای هر دو طرف خواهد داشت اگر جنگ جدید کره آغاز گردد این درگیری هشدار فوق العاده مهم درست بعد از تجمع گسترده نیروهای نظامی آمریکا در نزدیکی شبه جزیره کره داده شد، که در واقع گروه حامل ناوهای ضربتی با یواس اس کارل وینسون خود را به نزدیکی آن منطقه می رسانند. در حالی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده تهدید می کند که «مشکل» کره شمالی را «حل» خواهد کرد، پیونگ یانگ می گوید که آماده مقابله با هرگونه اقدام نظامی ست.

وونگ یی، وزیر امور خارجه چین در روز جمعه به خبرنگاران گفت: «اخیرا تنش ها با کره جنوبی و آمریکا از یک طرف و جمهوری توده ای خلق کره (شمالی) از سوی دیگر افزایش یافته است»، او هم چنین افزود، «خطر این درگیری را هر لحظه می توان حس کرد.»

او به هر دو طرف کشمکش هشدار داد که «نتیجه این جنگ جز شکست برای طرفین

در گیر نیست و برنده ای نخواهد داشت» و این که هر کدام از دو طرف باعث تحریک باشد، «باید مسئولیت تاریخی آن را به عهده بگیرد و هزینه آنرا بپردازد.»

پیش از آن در همین روز، به نقل از رویترز، هم واشنگتن و هم پیونگ یانگ باید از «تحریک و تهدید یکدیگر چه در بکار برد کلمات یا رفتارهای خود، خودداری کنند و اجازه ندهند این وضعیت به مرحله غیر قابل برگشت و غیر قابل مدیریت برسد.»

وی جهت فرو نشاندن شعارهای جنگ طلبانه دولت آمریکا گفت: «با تهدید و ارباب نمی توان کاری از پیش برد، چه در حرف چه در عمل، گفت و گو تنها کانالی ست که می توان مشکل را حل و فصل کرد.»

چین به عنوان متحد نزدیک کره شمالی و شریک تجاری اصلی آن، از برنامه هسته ای پیونگ یانگ استقبال نمی کند، اما طرفدار یافتن راه حل سیاسی این بحران است. به نوبه خود، روسیه که مرز زمینی مشترک با این دولت منزوی دارد، ابراز نگرانی عمیق از تنش در شبه جزیره کره کرده است. تنش در شبه جزیره کره یکی از موضوعاتی بود که وانگ یی با همتای روسی خود، سرگئی لاورف در یک تماس تلفنی در روز جمعه مورد بحث قرار گرفت.

به گفته سخنگوی کرملین، دیمیتری پسکاف که در جمع روزنامه نگاران در روز جمعه خبر می داد، «مسکو که همواره "سیاست صلح جویانه و دیپلماتیک" را دنبال می کند طرفین دعوا را به صبر و شکیبایی و پرهیز از اقداماتی که می تواند تحریک آمیز باشد دعوت می کند.»

پس از آن که نیروهای ائتلاف به رهبری امپریالیسم آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ بر ضد نیروهای کره شمالی در جنگ کره شرکت کرد. و از خط موازی ۳۸ درجه تقسیم شده مابین دو کره عبور کرد، جمهوری توده ای خلق چین با صف آرایی نیروهای خود وارد جنگ شد، در حالیکه اتحاد جماهیر شوروی پشتیبانی همه جانبه نظامی و لجستیکی به متحدان سوسیالیستی

خود ارائه داد. این کشمکش به سرعت تبدیل به یک جنگ فرسایشی شد، جان بیش از ۳۳۰۰۰ آمریکایی و بیش از ۴۰۰ هزار از سربازان کره شمالی را گرفت.

بر اساس برخی گزارشات رسانه ها، تجمع تدریجی مدام نیروهای آمریکا در نزدیکی آبهای مرزهای کره شمالی ممکن است به مراتب فراتر از یک نمایش معمولی شدت عمل باشد. در روز پنجشنبه مقامات اطلاعاتی آمریکا به خبرگزاری ای بی سی گفتند که ایالات متحده دو ناوشکن با قابلیت پرتاب موشک های کروز از نوع تاماهاک در منطقه فرستادند، که یکی از آنها تنها ۳۰۰ مایل (۴۸۰ کیلومتر) از مقر آزمایش هسته ای کره شمالی فاصله دارد.

بمب افکن های آمریکایی با برد طولانی در گوام به منظور هدف قرار دادن کره شمالی مستقر شده اند. کره شمالی نیز به نوبه خود در روز سه شنبه هشدار داد که به هر نشانه ای از تجاوز آمریکا به خاک کره شمالی با تمام تجهیزات موجود مان انتقام می گیریم. در مصاحبه ای با اسوشیتد پرس، معاون وزیر امور خارجه کره شمالی گفت: «اگر ایالات متحده جرات داشتن انتخاب برای یک اقدام نظامی داشته باشد، گزینه برای "حمله پیش گیرانه"، پیونگ یانگ آماده است برای واکنش. ما آمریکا را کاملا مسئول برای عواقب فاجعه بار با اقدامات ظالمانه آن مستلزم می دانیم.»

ستاد ارتش کره شمالی نیز در بیانیه ای که توسط کی سی ان ای پخش شد گفت: «ایالات متحده در آبهای شبه جزیره کره، بزرگترین محل خطرناک جهان شناور شده، دارایی های استراتژیک هسته ای بزرگ، بطور جدی صلح و امنیت شبه جزیره کره را تهدید می کند و وضعیت آن منطقه را تا سرحد جنگ می کشاند.»





## دو سلاح کار زنگ زده و برای امروز وتجربه ی آن دوسلاح تیز در دست!

کمتر کسانی هستند که هنوز در انتظار بروز معجزه ای از بیش از ۲۵۰ ساله ی حاکمیت سرمایه داران برجهان درنجات محیط زیست، در پایان دادن به فقر و فاقه میلیاردها انسان گرسنه و آواره و بیکار، کنار گذاشتن حرص ثروت اندوزی مثنی میلیاردر در حال افزایش و تعمیق هرچه بیشتر شکاف بین فقر و ثروت، تحمیل جنگهای مستعمراتی امروزی با ویران کردن حداقل های سرپناه های موجود کشورهای جهان سومی و غیره، باشند.

در برابر این همه جنایات نظام سرمایه داری و در راس آنها امپریالیستهای هژمونی طلب، جهانیان شاهد این همه بی تفاوتی نبوده اند، در حالی که میلیاردها انسان کارگر و زحمت کش را نادیده می گیرند که در مقابل جنایات حاکمان پیوسته فریاد اعتراضی شان بلند است؟

اما لازم به یافتن و درک چرایی دست بالای فردگرایی و رفرمیسم درتداوم نظام ضدبشری امروز، هست. ضمنا با توجه به این که فجایع زیادتری در انتظار بشریت می باشد، وظیفه ی انسانهای آگاه، آزادیخواه و مبارز در پیوستن به جنبش کارگری و متحد و متشکل شدن، برای ایست دادن به گرگنازی این نظام فرتوت پلید ایجاد می کند.

اگر به تلاشهای ثمر بخش انقلابی تاریخی در ۱۰۰ سال گذشته نظر بیافکنیم، می بینیم که آنها با چشمان باز و با فکری علمی و متکی بر پراتیک انسانهای انقلابی ایجاد جهان نوین - ولو در حد جنینی اش - شروع کردند. ملاحظه می کنیم، برای جلوگیری از رشد گذار آن از کودکی به بلوغ، کهنه پرستان مدافع مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، استثمارگران و ستمگران سرمایه دار و فئودال و ادیان به خدمت گرفته شان به نبرد جنگ و زنده گی شان با این جهان نو پرداختند. آموختن از تجارب انقلابی و پیش بردن این تجارب در شرایط جدید، تنها راه بشریت آزادی خواه و پیشرو اهل عمل می باشد.

انسانهای آگاه و مبارز کمونیست ۱۰۰ سال پیش، ایجاد حزب کمونیستی با مسلح بودن به تئوری انقلابی و در پیوند فشرده بودن با استخوان بندی کارگری از پیشروترین طبقه در جوامع جهانی با توجه به تئوری انقلابی

طبقه کارگر را در دستور کار خود قرار دادند و ثابت کردند که می توان هسته ی رهبری کننده ی طبقه کارگر و زحمت کشان را در رهائی از اسارت مناسبات استثمار انسان از انسان به پیش هدایت کنید. نمونه این اعتقاد عینی و نه ذهنی شان بطور علمی و جمع بندی شده در عمل نشان داده شد.

در همین ۱۰۰ سال پیش با تحلیل از دولت طبقاتی حاکم تاکید را بر این نظر گذاشتند که نیروها نظامی و پلیسی و زندانها و سرکوب پایه عمده ی حفظ این دولت می باشند و درهم شکستن ماشین طبقاتی دولت حاکم باید علاوه بر اینها دیگر ابزار ماشین دولتی را پس از کسب قدرت درهم شکست و کار صبورانه روشنگری را در درون این نیروهای مسلح پیش بردند.

در همین ۱۰۰ سال پیش، وقتی کشورهای امپریالیستی با دید جهان خواری و درآوردن مناطق نفوذ از زیر دست امپریالیستهای رقیب جهت گسترش مناطق نفوذ خود، جنگ خانمان سوزی به راه انداختند که میلیونها نفر از مردم بی گناه را یا به جنگ امپریالیستی - تحت بهانه ی دفاع از میهن - فرستادند و یا از نیروی پلیس در کشور به سرکوب مخالفان شرکت در این جنگ پرداختند. ولی حزب بلشویک روسیه تحت رهبری لنین، استراتژی بزرگ کارگری آن زمان سیاست لوله تفنگتان را به سینه ی حاکمان رژیم تزاری روسیه نشان به گیرید به سربازان میلیونی خسته از کشته شدن در میدانهای جنگ سرمایه داران، به امان آمده بودند آموزش داد و دعوت به اتحاد با کارگران و دهقانان، سربازان دنیای نوئی را بسازند.

چنین سیاستهایی باموفقیت عظیمی هماهنگ شد. هر چند که در این جنگ جهانی اول امپریالیستی، استثمارگران وقتی متوجه شدند دارند قافیه را به سود خود باخته اند، توطئه ی ممانعت از قدرت گیری طبقه کارگر و دهقانان و سربازان، جنگ داخلی در روسیه را با کمک رسانی به ژنرالهای فاسد رژیم تزاری سازمان دادند ولی این نوکران نظام سرمایه داری با شکست مفتضحانه ی ارتش سرخ و جانبازیهای درخشان آنان تحت رهبری حزب کمونیست روسیه رو به رو گشتند.

سلاح نیرومند مبارزه با نظام سرمایه داری یعنی ایجاد حزب کمونیست انقلابی در پیوند فشرده با کارگران چه در درون حزب و چه در تشکلهای کارگری در صحنه ی کشوری، داشتن تاکتیکها و استراتژی دقیق براندازی نظام سرمایه داری و توجه ویژه به جلب

نیروهای نظامی در قالب خدمت اجباری زیر سلطه ی حاکمان به سوی خود با پیروزی درخشانی همراه گشتند.

اما امروز درسهای بخون نوشته شده پیروز، با نفوذ دیدگاههای بورژوائی و خرده بورژوائی در درون طبقه کارگر و تشکلهای چپ، به کنار زده شده اند: ایجاد احزاب کمونیست جای خود را به پلورالیسم تشکلهای کوچک و بی تاثیر داده است. پیوند با طبقه کارگر نیز توسط برخی بعضا تاحد سفارش به کارگران در شرکت نکردن در حزب کمونیست پیش رفته و نفوذ کمونیستها در درون فرزندان کارگر و زحمت کش نیروهای سرکوبگر به وظیفه ای عاجل در ممانعت از نشانه رفتن تفنگها به سوی پدران، مادران، برادران، خواهران، اقوام و خویشان و کلا از متحدان تان، امتناع کنید، خبری نیست.

در واقع آنچه که امروز جریان یافته و ابتکار عمل به دست استثمارگران و ستم کاران افتاده، تقویت نیروهای سرکوبگر در خدمت خود از یک سو و ممانعت جدی از ایجاد حزب سیاسی پیشرو طبقه کارگر از سوی دیگر و بدین ترتیب خلع سلاح کردن طبقه کارگر چه از نظر ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی و سبک کاری و چه محکم زیر نفوذ خود داشتن نیروهای مسلح سرکوبگر، می باشند.

اگر با ذره ای از انصاف و روحیه تحلیل مادی عینی و علمی به این دو نکته مهم توجه شود، می توان به راحتی درک کرد که فرقه گرایی چه درد بزرگی است که مانع از حرکت آگاهانه ی طبقه کارگر می گردد و طرد بلادرنگ این پدیده ی شوم از وظایف طبقه ی کارگر و کمونیستها می باشد تا ساحت سازمان یابی طبقه کارگر را از گرد و غبار و آشغالیهای فکری و عملی طبقات و اقشار غیر کارگری هر چه زودتر پاک کرد و مماشات گران با پشت گوش انداختن این واقعیت بدترین دشمنان طبقه کارگر می باشند، هر چند که مزورانه توهم پراکنی را در جوامع مختلف پیش می برند.

زنده و پاینده است تجارب انقلابی کمونیستها و طبقه کارگر و زحمت کش در قرن گذشته و مجدانه از این تجارب بیاموزیم و دوسلاح متروک انقلابی را به فعال تبدیل کنیم.

ک. ابراهیم

۲۰۱۷-۵-۱۰





در جنبش جهانی ... بقیه از صفحه آخر

جنگی امپریالیستی باید بمثابة حمایت مستقیم از نیروهای فاشیستی تروریستی مانند داعش در نظر گرفته شود که در حال حاضر خود را در آنجا مستقر کرده اند. ایکور با صراحت، هر گونه مداخله امپریالیستی، استعماری در سراسر مناطق سوریه را رد میکند. از جنبش صلح در سراسر جهان و مبارزه توده ها در مقابل تجاوز نظامی هر قدرت امپریالیستی بدون استثنا پشتیبانی میکند. ایکور استفاده از مرگبار هسته ای، بیولوژیکی و شیمیایی علیه مردم را رد می کند و ممنوعیت و نابودی آنها را خواستار است.

در ۸ ماه مه ۱۹۴۵، سلاح های میدان جنگ اروپایی شش سال پس از جنگ مرگبار خاموش شد. سوسیالیسم ثابت کرد که قوی تر از فاشیسم و ارتجاع است. بنابراین، ایکور ۸ ماه مه را روز بین المللی مبارزه علیه فاشیسم و جنگ اعلام میدارد. بیائید این روز بین المللی مبارزاتی را به ویژه از نظر وضعیت جهان امروز مد نظر گیریم. ایکور تمام نیروهای انقلابی و مترقی را برای فعالیت های متحد جهت مبارزه با تمام مداخلات امپریالیستی در سوریه و علیه منافع امپریالیستی در کل منطقه عربی فرا می خواند. جنگهای امپریالیستی و تهدید جنگ را تنها بوسیله غلبه انقلابی بر نظام جهانی امپریالیستی می توان از بین برد! حملات نظامی بیشتر امپریالیسم آمریکا تحت ریاست جمهوری ترامپ علیه افغانستان و کره شمالی کانون های جدیدی از جنگ را به ارمان آورده است. جنبش ضد امپریالیستی و صلح در سراسر جهان باید با اتخاذ موضع علیه آن به اعتراض برخیزد.

علیه هرگونه مداخله امپریالیستی

در سوریه!

زنده باد مبارزه مردم خاور میانه برای دموکراسی، استقلال و صلح!

علیه امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع عرب و فاشیسم اسلامی. برای آزادی ملی و اجتماعی!

برای صلح و دوستی میان مردم - برای سوسیالیسم!

امضاکنندگان از تاریخ ۲۱ آوریل، ۲۰۱۷، امضا های آتی ممکن می باشد:

۱- ORC سازمان انقلابی کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو

- ۲- MMLPL خط پرولتاری مارکسیست-لنینیست مراکش
- ۳- (ML) حزب کمونیست CPSA آفریقای جنوبی (مارکسیست-لنینیست)
- ۴- PPDS حزب سوسیالیست دموکراتیک میهنی تونس
- ۵- سازمان مارکسیست-لنینیست MLOA افغانستان
- ۶- CPB حزب کمونیست بنگلادش
- ۷- (ML) ستاره سرخ حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست)
- ۸- حزب رنجبران ایران
- ۹- NCP (مشعل) حزب کمونیست نپال
- ۱۰- APTUF فدراسیون اتحادیه های کارگری پاکستان
- ۱۱- NDMLP حزب نوین دموکرات مارکسیستی-لنینیستی، سریلانکا
- ۱۲- گروه انقلابیون کمونیست "در Krasnyj ها Klin"، بلاروس
- ۱۳- حزب کمونیست بلغارستان
- ۱۴- MLPD حزب مارکسیست لنینیست آلمان
- ۱۵- سازمان کمونیستی یونان
- ۱۶- سحر سرخ، هلند
- ۱۷- بستر های نرم افزایشی مارکسیست-لنینیست، روسیه
- ۱۸- گروه مارکسیست-لنینیست از سوئیس
- ۱۹- حزب کار، یوگسلاوی (سابق)
- ۲۰- حزب کار - بوسنی و هرزگوین
- ۲۱- حزب کمونیست کلمبیا - مارکسیست لنینیست مائوئیست
- ۲۲- حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست، جمهوری دومینیکن
- ۲۳- حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) پاناما
- ۲۴- حزب کمونیست (مستقل) پاراگوئه
- ۲۵- PML حزب مارکسیست-لنینیست پرو
- ۲۶- PPP حزب پرولتاری پرو
- ۲۷- سازمان کمونیستی لوکزامبورگ
- ۲۸- حزب بلشویک (شمال کردستان و ترکیه)
- ۲۹- حزب کمونیست چکسلواکی، جمهوری چک



فاجعه بحران عمیق ... بقیه از صفحه آخر

به حد اقل های طبقات زحمتکش و محروم، از جمله مدیکر، مدیکید، (هزینه های امنیت اجتماعی، هزینه های رفاهی، قطع کردن کوپن غذا برای میلیونها نفر از نیازمندان، بودجه آموزش عالی، هزینه های خدمات اجتماعی، حق بیمه بیکاری)، و بالاخره پرتاب طبقه متوسط به فقر بی پایان تا سرحد نابودی این طبقه می باشد. در عوض افزایش

سرسام آور بودجه نظامی (مثلاً ۵۴ میلیارد دلار افزایش بودجه پنتاگون)، گسترش بیش از حد مزایای مالیاتی برای ثروتمندان توسط کنگره آمریکا و نا گفته نماند که بیش از ۵۰ درصد آنها میلیاردر می باشند.

پروفیسور جیمز همیلتون از دانشگاه اقتصاد ایالت کالیفرنیا در سال ۲۰۱۳ کار تحقیقی در زمینه مقدار واقعی بدهی های ملی آمریکا را تا بیش از ۷۰ تریلیون دلار برآورد کرده است که شامل بدهی های تک ایالت ها، شرکتها، افراد، پرداخت های رفاهی و تعهدات دیگر دولت فدرال با طلب کاران خود. به گفته او، ایالات متحده در حال حاضر نا توان از بازپرداخت بدهی ها است. رقم دقیقی در مورد بدهی های سال ۲۰۱۷ بدست نیامده ولی آنچه که مسلم است رقم مورد نظر به مراتب بیشتر از ۷۰ تریلیون دلار می باشد.

بی کاری مزمن و بی پایان میلیونها نفر را بی خانمان کرده است. در صد بی کاران مزمن و کارکنان نیمه وقت روی هم نزدیک به ۳۰ میلیون نفر برآورد شده یعنی حدود ۲۵ درصد از نیروی کار در آمریکا.

به خاطر خارج شدن از این بحران (به گفته همیلتون)، فدرال ریزرو با هم آهنگی با مقامات آمریکائی دست به چاپ اسکناس زدند و از این طریق دارایی های بسیاری را خریداری کردند. بر این اساس بود که میزان بدهی های دولت هر سال افزایش یافت تا جائیکه طبق همین برآورد، بهره بدهی ها به تنهایی تا سال ۲۰۲۱ از هزینه های دفاعی بیشتر خواهد شد.

در حال حاضر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در شرایطی بسیار نا بسامان قرار دارد و از طرفی رسانه های متعلق به شرکتهای چند ملیتی این اطلاعات را از مردم پنهان نگه میدارند. مثلاً شهرهای زیادی ورشکسته شدند. از اوت ۲۰۱۳، تا بحال بیش از ۱۲ شهر در این کشور خود را ورشکسته و مهجور اعلام کردند. نزدیک به ۳۵۰ شهر کوچک و متوسط در کشور و ۱۱۳ منطقه شهری شهرهای بزرگ، به خصوص نیویورک با چنین گرفتاری دست و پنجه نرم می کنند. شهر دیترویت، میشیگان با ۱۸ میلیارد دلار اعلام ورشکستگی کرد. حدود ۳ میلیارد آن متعلق به حساب بازنشستگی و دوا و درمان می باشد.

طبق همین گزارش، کسری کلی مزایای بازنشستگی در ایالات متحده ۷.۲ تریلیون دلار یا ۱۷ در صد تولید ناخالص. فقدان نقدینه در صندوق بازنشستگی برای پرداخت مزایای بازنشستگی، به عنوان مثال در



اصطلاح صنعت گرا عامل اصلی مسمومیت آب، خاک و هوا هستند، مشاغل را از بین می برند و دستمزد ها را کاهش می دهند. نخبگان بانکی حباب مالی ایجاد می کنند و بدهی فلج کننده برای شهروندان به بار می آورند. روزنامه نگاران احمق و روشنفکران آنها واقعیت استبداد را دموکراسی وانمود می کنند. سازمانهای جاسوسی آنها سرنگونی دولتهای خارجی را هماهنگ می کنند برای ایجاد مناطق محاصره شده بی قانون که منجر به ظهور بنیادگرا می گردد. "کارشناسان" و "متخصصین" آنها سیاستهای حکام را توجیه می کنند.

برای پنج قرن آنها وقت صرف فتح، غارت، استثمار و آلوده کرده کره زمین تحت نام پیشرفت بشریت کرده اند. آنها با استفاده از برتری تکنولوژی خود مؤثر ترین تسلیحات کشتار بر روی کره را بوجود آوردند که بر علیه بشریت به خصوص بر ضد فرهنگ های بومی که در مقابل آنها ایستادگی کردند بکار بردند. آنها ثروت و منابع این سیاره را به سرقه بردند.

در حال حاضر نیمی از ایالات متحده به فقر و فلاکت در غلظت، آزادی های مدنی از مردم سلب شده، پلیس نظامی شهروندان غیر مسلح را در خیابانها به قتل می رساند، ممکن است دارای بزرگترین سیستم زندان و ماشین جنگی در جهان باشد، اما تمام این حقایق ماهرانه چشم پوشی شده است. ترامپ مظهر ذات این جهان فاسد، از نظر فکری ورشکسته و غیر اخلاقی ست. او سردسته تمام این احمق ها است، و ما فعلاً قربانی او هستیم.

ع. الف



تاریخ صدیاتیازده ساله .. بقیه از صفحه آخر

گروه های فرهنگی و سازمان های زنان دست بزند. مهمترین این تشکیلات در دوره ۱۳۰۵ - ۱۳۰۱ عبارت بودند از:

- "جمعیت فرهنگ رشت" "انجمن پرورش قزوین" "جمعیت بندر پهلوی"  
 - "جمعیت پیک سعادت نسوان" در تهران، "جمعیت بیداری زنان" در تهران و  
 - "جمعیت پیک نسوان" در رشت  
 این جمعیت ها خواهان تأمین حقوق فرهنگی مردم بطور اعم و حقوق زنان بطور اخص بودند. جمعیت های زنان در تهران و

و انحراف مداوم از منابع، بدور از سرمایه گذاری مولد، که زمینه فرسایش اشکال دموکراتیک دولت و ترویج بی پایان جنگ و نظامی گریست. با این گزارشات بسیار نگران کننده متوجه می شویم که با وجود چنین بحران بی سابقه و عمیق، نخبگان مالی هیچ راه حلی را تا بحال نتوانسته اند ارائه دهند. طبق گزارش تحقیقات جهانی در سال ۲۰۱۴، یعنی بطور متوسط بدهی وام فعلی هر فارغ التحصیل دانشگاهی به بین ۲۶۰۰۰ تا ۲۹۰۰۰ دلار رسیده است. با توجه به سالنامه آموزش عالی، از تقریباً ۲۰ میلیون دانش آموز کالج در آمریکا، بیش از ۶۰ درصد آنها (که رو به افزایش نیز می باشد) از وام دانشجویی استفاده می کنند. آسوشیئدپرس گزارش می دهد که وام دانشجویی در آمریکا به بیش از یک تریلیون دلار رسیده است. این نیز یکی دیگر از نشانه های نگران کننده ایست که مرگ جامعه روبه ترقی در آمریکا را تأیید می کند. با استاندارد وام دانشجویی با طرح باز پرداخت ده ساله، در حالیکه به عوض این باز پرداخت ها می تواند صرف سرمایه گذاری در خرید مسکن، برنامه های بازنشستگی، سرمایه گذاری در سهام، آموزش و پرورش برای کالج اطفال، و یا صرف مصرف در اقتصاد شود. نکته جالب توجه اینجاست که این جوانان با مشکلات فراوانی که مدرک دانشگاهی را بدست می آورند متأسفانه کاری برای تقریباً نیمی از این فارغ التحصیلان یافت نمی شود. این جوانان سرخورده و ناامید به آینده مجبورند کارهای خدماتی با درآمد حد اقل دستمزد، تازه اگر موجود باشد را اختیار کنند. به خاطر بحران بزرگ مالی که از سال ۲۰۰۷ شروع شده و پایانی ندارد، تقریباً در تمام شهرهای ایالات متحده بویژه مناطق گرم سیر غریب تعداد عظیمی بی خانمان وجود دارد، حتی در محله های نسبتاً ثروتمند بر سر چهار راه ها بی خانمان وجود دارد. این پدیده ایست که از سالهای ۱۹۷۰ به این طرف در ایالات متحده بوجود آمده چرا که در گذشته آنها تعداد انگشت شماری فقیر (گدا) در خیابانها دیده می شد.

نئو کان ها در آخرین روزهای فروپاشی این سیستم به قدرت می رسند، ژنرال های آنها جنگ بی پایان به راه می اندازند، جنگی که غیر قابل پیروزی ست و کشور را ورشکسته می کند. اقتصاد دانان آنها در حالیکه صحبت از کاهش پرداخت مالیات ثروتمندان می کنند، خدمات اجتماعی برای فقرا را قطع کرده و طرح پیشرفت اقتصادی را براساس رویایی خوش می ریزند. همین نئو کانهای به

ایالت ایلنوی، ۵.۲ برابر میزان درآمدهای مالیات سالانه ایالت کانتیکات می باشد. تعداد کارکنان پلیس در شهر استاکتون به نصف رسیده است. لوس آنجلس، ۲۳۸ میلیون دلار در سال ۲۰۱۳ کسر بودجه داشته است که اکنون به مراتب بالا تر از این مبلغ می باشد. در حال حاضر شهرداری لوس آنجلس که قبل از این بحران بیش از ۴۰ هزار کارگر و کارمند و غیره داشت، تنها حدود ۲۸ هزار نفر استخدامی دارد. این شهرداری عظیم بجای قصور در پرداختی های خود حق بازنشستگی کارمندان خود را از ۲.۵ درصد در گذشته به ۲۵ درصد حقوق کارگران و کارمندان افزایش داده است. در بررسی های اخیر انجمن ملی دانشکده ها و کار فرمایان نشان داد که برای ده رده از مدارک دانشگاهی به درجاتی از مهندسی تا ارتباطات، فارغ تحصیلات سال ۲۰۱۶، در آمد حد متوسط سالیانه آنها ۵۰ هزار و ۵۵۶ دلار بوده است. در صورتیکه درآمد سالیانه همین استخدامی ها با در نظر گرفتن تورم، قبل از این بحران بیش از ۷۰ هزار دلار بوده است. تمامی این مشکلات به خاطر خصوصی سازی ها بوجود آمده. برای ادامه تحصیل در دانشکده ها والدین دانشجویان باید مبالغ هنگفتی را متحمل شوند در غیر این صورت جوانان نمی توانند به تحصیل ادامه دهند. با توجه به این اوضاع واقعی و کاملاً قابل لمس برای همگان متوجه می شویم که چرا تقریباً تمام اعضای خانواده باید کار کنند تا مشکل اقتصادی شان را تا حدودی برطرف کنند.

در این رابطه آمار و ارقام مؤسسه پیو در سپتامبر ۲۰۱۵ گزارش می دهد که اثر افت و رکود اقتصادی مداوم در طیف گسترده ای از خانواده ها بوجود آمده است. و اشاره می کند، « ثروت آمریکائی ها نسبت به سال ۲۰۰۰ به مراتب کاهش یافته. برای تمام رده های با درآمدهای میانی در سال ۲۰۱۴، نسبت به سال ۲۰۰۰ کمتر بوده است. این واژگونی یا برگشت نتیجه دو رکود هستند - رکود اقتصادی سال ۲۰۰۱ و رکود بزرگ سالهای ۲۰۰۷ - ۲۰۰۸ و بهبود های اقتصادی که بسیار ضعیف بودند که بتوانند بطور کامل آسیب زدگی اقتصادی را ترمیم کنند. » استنتاج صورت گرفته، درآمد و ثروت تمام بخش های جامعه از آغاز بحران مالی سال ۲۰۰۸ رو به زوال گذارده شده. رشد ماندگار و مداوم نابرابری اجتماعی، از آشکار ترین ویژگی های بارز و معین جامعه معاصر آمریکا ست. این روندی ست تسهیل شده توسط مالی گرانی (فایننشالیزاسیون) اقتصاد



شهرهای مهم ایران، زنان و دخترانی را که طالب فعالیت در زمینه های تولید و امور فرهنگی بودند در خود متشکل کرده و با تأسیس کلاس های اکابر، خیاطی و گلدوزی توانستند کادرهای فعال حزب کمونیست ایران را در پیوند گسترده ای با اقشار مختلف زنان قرار دهند.

جمعیت و یا انجمن "پیک سعادت نسوان" که توسط روشنگر نوعدوست و یارانش در سال ۱۲۹۸ خورشیدی تأسیس یافت، موفق شد که برای نخستین بار مراسم روز جهانی زن (۸ مارس) را در سال ۱۳۰۱ برگزار کند. این انجمن با حمایت حزب کمونیست نشریه "پیک سعادت نسوان" را در سال ۱۳۰۶ منتشر ساخت. مضافاً در این دوره (۱۳۰۴ - ۱۳۰۰ خورشیدی) نشریات "بانوان"، "زنان ایران"، "عالم نسوان" و "لسان زنان" به همت زنان سرشناس و هوادار حزب کمونیست در ایران انتشار یافتند. صدیقه دولت آبادی و محترم اسکندری از زنان مبارز و شاخص آن دوره بودند که با تأسیس انجمن های مختلف زنان و انتشار نشریات مخصوص زنان خدمات بزرگی به توسعه حقوق زنان نمودند.

صدیقه دولت آبادی با شرکت در کنگره بین المللی زنان در برلین در سال ۱۳۰۱ و در دهمین کنگره "اتحادیه بین المللی حق رأی زنان"، در پاریس در سال ۱۳۰۵ و گزارش و انتقال تجارب و دانش خود به زنان ایران و محترم اسکندری با تأسیس "انجمن نسوان وطن خواه" و انتشار نشریه ای به همان اسم در سال های ۱۳۰۴ - ۱۳۰۲ از جمله مشاهیر سوسیالیست و فمینیست این دوره محسوب میشوند. ۱

بدون تردید تحت تأثیر فعالیت زنان در دوره ۱۳۰۵ - ۱۳۰۰ بود که حزب کمونیست ایران در دومین کنگره خود در ۱۳۰۶ خورشیدی برخی از خواسته های اقتصادی زنان را، که مربوط به "منع کار شبانه برای نسوان و اطفال" و "مرخصی با مواجب برای زنان آبستن در مدت چهار هفته پیش و چهار هفته پس از وضع حمل" بود، در برنامه مبارزاتی خود قرار داد.

علاوه بر کار طولانی و جدی در بین کارگران و زنان و فرهنگیان، فعالیت دیگر حزب در دوره ۱۳۰۵ - ۱۳۰۰ همکاری با احزاب و سازمان های سیاسی موجود در ایران بود. برای نمونه حزب کمونیست در این دوره علاوه بر کار و همکاری با شخصیت های سوسیالیست، کادرهایی از فعالان حزب را به درون "اتحاد ملی" فرستاد که در این دوره از طرف فراکسیون

های مختلف سوسیالیست ها و بقایای حزب دموکرات ایران تحت رهبری سلیمان میرزا اسکندری بوجود آمده بود. از این طریق حزب توانست سازمان های حزبی و شعبات خود را در شهرهای گیلان، آذربایجان، خراسان و اصفهان بوجود آورده و اتحادیه های کارگری و "سازمان جوانان" متعلق به حزب را ایجاد کند. ۲

پیشرفت روزافزون حزب کمونیست، رضاخان را که در بجنوبه جلوس به تخت سلطنتی و استقرار دیکتاتوری نظامی بود به وحشت انداخت. رضاخان بعد از جلوس به تخت سلطنت در آذرماه ۱۳۰۴ تصمیم گرفت که تنها سازمان منسجم سیاسی و توده ای را که در آن زمان در صحنه سیاسی ایران مستقل از منویات رضاشاه عمل میکرد، سرکوب و مضمحل سازد. از آذر ماه ۱۳۰۴ یورش به حزب شروع گشت و کمونیست ها تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. از همان تاریخ آغاز ظهور رضاخان در صحنه سیاسی ایران مسأله پدیده رضاخان و ارزیابی از موقعیت و نیت او در داخل حزب کمونیست ایران مورد بحث قرار گرفته بود. بخش بزرگی از رهبری حزب که اکثریت را تشکیل میداد، رضاخان را نماینده "بورژوازی ملی" دانسته و او را "مترقی" ارزیابی میکرد. از نظر گاه اکثریت رهبری حزب، رضاخان کسی بود که دست سید ضیاء الدین طباطبائی - عامل انگلیس - را از حکومت کوتاه ساخته و اقداماتی در جهت ایران "متمرکز" و "مدرن" انجام داده بود. به عقیده اکثریت، رضاخان در دوره ۱۳۰۴ - ۱۳۰۰ فعالیت های نیروهای مترقی و سوسیالیست را در جامعه مسدود نساخته و حتی به حزب کمونیست امکان فعالیت های آزاد داده بود. بررسی شماره های مختلف روزنامه "حقیقت" و مقاله های مندرج در آن توسط م. پرویز (که در واقع نام مستعار و ژورنالیستی جعفر جوادزاده پیشه وری بود) به خوبی نشان میدهد که در این نشریه، که پرتیراژترین و محبوب ترین نشریات آن زمان محسوب می شد، رضاخان از حمایت بیدریغ حزب کمونیست ایران برخوردار بوده است. در کشمکش ها و مبارزات سیاسی بین "اقلیت" در درون مجلس به رهبری سید حسن مدرس و "اکثریت" به رهبری نمایندگان طرفدار رضاخان، حزب طرف رضاخان را گرفته و از "اصلاحات" او دفاع میکرد. بر این اساس اکثر اتحادیه های کارگری مثل اکثر سوسیالیست ها از رضاخان و سیاست های او در مقابل "اقلیت" مجلس حمایت میکردند.

رضاخان نیز که در سرکوب "اقلیت" مجلس و مخالفین جدی دیکتاتوری نظامی خود به این حمایت ها احتیاج داشت، به انواع حیل خود را "آزادخواه" و "متجدد" وانمود ساخته و نزدیک به سه سال با زدن نقاب کاذب دموکراسی به صورت خود موفق شد که با مهارت خود و کمک های مقامات انگلیس عده کثیری از نیروهای مترقی و متعهد، منجمله اکثریت اعضای درون کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران را فریب دهد.

در جریان سال های ۱۳۰۴ - ۱۳۰۰ رضاخان با استفاده از نقاب کاذب دموکراسی و فریب اکثریت نیروهای مترقی و سوسیالیست موفق شد که کلیه نیروهای ضد دیکتاتوری را در مجلس و در درون نیروهای نظامی و بازار و نهادهای مذهبی نابود ساخته و بعد از جلوس به سلطنت یورش خود را علیه آخرین سنگر ضد دیکتاتوری، یعنی حزب کمونیست ایران شروع کند.

رضاخان بعد از غصب و تسخیر مقام سلطنت ضربه ناگهانی را در سال ۱۳۰۴ بر پیکر حزب کمونیست ایران وارد ساخت. رژیم رضاشاه بسیاری از رهبران اتحادیه های کارگری و روزنامه نگاران مترقی را که یا از اعضای برجسته حزب توده و یا به آن تعلق خاطر داشتند، به زندان افکند و عملاً تأسیس و گسترش اتحادیه های جدید کارگری را ممنوع ساخت. پس از سرکوب ۱۳۰۴ با اینکه حزب هنوز به موجودیت خود در خفا ادامه داد ولی تعداد زیادی از اعضای کمیته مرکزی آن مثل عبدالحسین احسانی، استاد میرزا علی و ... به زندان افتادند و تعدادی دیگر که شناخته شده ولی دستگیر نشده بودند، به شوروی رفتند. ۳

یورش بی امان رضاشاه علیه کمونیست ها طوری تنظیم شده و جامع و پی در پی بود که کوچکترین راهی برای نجات حزب کمونیست ایران نگذاشت. ضربات رژیم علیه کمونیست ها باعث تشنت آراء در درون حزب کمونیست ایران گشت. در سال ۱۳۰۵، فقدان یک نظر واحد در خط مشی عمومی حزب موجب آشفتگی فکری در بین رهبری شد که طبیعتاً به آشفتگی سازمانی منجر گشت. در پایان سال ۱۳۰۵، رشد دوگانگی در رهبری و عدم قبول رهبری هیأت سه نفری حزب در اداره امور سازمانی، رهبری را وادار ساخت که برای ادامه بقای خود به عنوان تنها سازمان متشکل و منسجم سیاسی در ایران به ایجاد کنگره دوم حزب دست بزند. با تشکیل کنگره دوم حزب در آذرماه



۱۳۰۶ (دسامبر ۱۹۲۷ میلادی) دوره دوم تاریخ حزب که بلافاصله بعد از شکست جنبش گیلان در ۱۳۰۰ (۱۹۲۱) شروع شده بود، پایان عمر خود رسید.

بررسی فعالیت ها و برنامه های حزب در دوره دوم آن (که از زمان شکست جنبش جنگل در گیلان در پائیز ۱۳۰۰ آغاز و تا شروع حزب در آذر ۱۳۰۴ ادامه داشت) نشان میدهد که حزب تحت تأثیر سیاست های کمینترن و حزب کمونیست شوروی سمت مبارزه را عمدتاً متوجه شهرها ساخته و فعالیت انقلابی را (که میبایستی بسیج دهقانان و انجام انقلاب ارضی در روستاها باشد) متوقف ساخت. حزب کمونیست ایران علیرغم گام های عملی که در راه حل مسأله ارضی در دهات گیلان برداشته و صاحب تجربه گشته بود، تحت تأثیر سیاست های کمینترن به کار توده ای در خفا و در بین روستائیان کم بهاء داده و عمده فعالیت های خود را در این دوره متوجه شهرها و فعالیت های علنی و مبارزات مسالمت آمیز ساخت. در تحت این شرایط، در اولین لحظه تغییر اوضاع و نامساعد شدن وضع، حزب کمونیست در مقابل ضدانقلاب مسلح بی سلاح مانده و ابتکار عمل را به نیروهای موناکوفاشیستی، که در شهرها قوی تر از روستاها بودند، باخت. مجموعه این حوادث که بالاخره باعث تشتت آراء و آشفتگی فکری در بدنه حزب از جمله در رهبری آن گشت، منجر به تشکیل کنگره دوم حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۰۶ خورشیدی گشت.

### کنگره دوم حزب کمونیست ایران

۸

کنگره دوم حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۰۶ بطور کاملاً مخفی در شهر کوچک رستوف روسیه شوروی واقع در ساحل دریای آزوف تشکیل گردید که بعداً به کنگره ارومیه معروف شد. ایرانیان شاخص کمونیست که در این کنگره حضور داشتند عبارت بودند از: جعفر جوادزاده (پیشه وری)، آوائیس میکائیلیان (احمد سلطانزاده)، کریم نیک بین (حسن اف)، عبدالحسین حسابی (دهزاد)، محمد آخوندزاده (بهرام سیروس) و حسین شرقی. هدف از برگزاری این کنگره، بررسی و ارزیابی پدیده رضاشاه و چگونگی عروج او به قله دیکتاتوری و تعیین موضع حزب نسبت به حاکمیت رضاشاه و نقش امپراطوری انگلستان در ایران آنزمان بود. احسان طبری (یکی از نئوریسین های و محققین تاریخ سیاسی و از

سران سرشناس حزب توده ایران) در کتاب معروف "ایران در دوسده و اوسین" در مورد سئوالات مهم تنوریک در کنگره دوم چنین نوشت:

"ایا کودتای رضاخان یک کودتای درباری بود که چیزی را عوض نمی کند یا انتقال از دورانی است به دورانی؟ آیا دعوی راست ها که پس از این کودتا، ایران می توانست از این طریق "ترقی صلح آمیز" (به اصطلاح امروزی ما تکامل مسالمت آمیز) به پیش برود، درست است؟ آیا این دعوی که ایران وارد "سیر طریق سرمایه داری" شده (راه رشد سرمایه داری) درست است یا ایران در چهارچوب فئودالیسم باقی مانده است؟ آیا در ایران میتوان یک حزب وسیع "انقلابی ملی" تشکیل داد و کمونیست ها باید در چنین حزبی چه موقعیتی را اتخاذ کنند، موقعیت سرکردگی یا نه؟...؟ با اینکه جمع بندی و نتیجه گیری طبری از هدف کلی کنگره دوم دارای انسجام فکری مناسبی با اما و اگرهای مطرح شده نباشد، ولی محتاج توضیح بیشتری است. برای اینکه بیشتر به اهمیت مسائلی که در کنگره دوم مطرح شد پی ببریم، بهتر است که متن تاریخی تحولاتی را که در این دوره (۱۹۲۷ - ۱۹۱۷ میلادی) سیمای جهان و ایران را دستخوش تحول قرار داده بود، مورد ارزیابی قرار دهیم.



به تارنما های اینترنتی  
حزب رنجبران ایران  
مراجعه کنید  
و نظرات خود را  
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران  
[www.ranjbaran.org](http://www.ranjbaran.org)

سایت آینه روز  
[www.ayenehrooz.com](http://www.ayenehrooz.com)

سایت خبرنامه کارگری  
[www.karegari.com](http://www.karegari.com)

سایت رنجبر آنلاین  
[www.ranjbaran.org/01\\_ranjbaron-line](http://www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line)

سایت آرشیو روزنامه  
رنجبر  
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>





## در جنبش جهانی کمونیستی

علیه هرگونه مداخله امپریالیستی  
در سوریه!

قطعه‌نامه ایکور ۲۱ آوریل ۲۰۱۷

با دستور پر سر و صدا تهاجمی و حق به جانب داند ترامپ ریاست جمهوری آمریکا، نیروهای مسلح ایالات متحده حمله نظامی گسترده ای به فرودگاه سوریه الشعیرات در ۷ آوریل ۲۰۱۷ انجام دادند که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد بسیاری شد. امپریالیسم آمریکا به بهانه استفاده سوریه از این پایگاه

برای حمله شیمیایی استان ادلب به این حمله دست زده است. تا به امروز بطور قطعی روشن نیست که در واقع مسئول این جنایت جنگی کیست. باید به خاطر آوریم که سال ها پیش ایالات متحده آمریکا همچنین ادعا کرد که عراق سلاح های شیمیایی در اختیار دارد که بعدها به عنوان بهانه ای برای توجیه جنگ امپریالیستی در تجاوز به عراق مورد استفاده قرار گرفت. ایکور حمله نظامی آمریکا را محکوم می کند. این محکومیت نیز حملات پیشین

رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه سوریه را در بر میگیرد. در عین حال ایکور در حمایت از جنگ برای بشار اسد توسط روسیه، اشغال بخشی از روزاوا / شمال سوریه توسط ترکیه، دخالت قدرت های بیشتر مانند ایران، عربستان سعودی و قطر و شرکت در جنگ بوسیله ناتو را محکوم می کند. بیش از ۷ میلیون نفر مجبور به ترک سوریه شده اند، صدها هزار نفر کشته شدند. تمام قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی درگیر مسئول آن هستند. جنایات

قطعه در صفحه ۱۳

## فاجعه ایکه بحران عمیق سال ۲۰۰۸ تا بحال برای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان ببار آورده!

دنیای سرمایه‌داری در دهمین سال از عمیق ترین بحران‌های‌اش پس از آن رکود عظیم جهانی به سر می برد. سرمایه داری به مثابه سیستمی فرا ملی، سیستمی ست که مرزهای ملی را بر نمی تابد و ماهیتی جهانی دارد و نیازمند هژمونی ست. در حال حاضر این هژمونی سرمایه در حال افول است که می توان گفت ما در رکود جهانی قرار داریم که از سال ۲۰۰۷ آغاز شده است و می رود تا زمان نا محدودی ادامه داشته باشد. آن چه که بسیار قابل لمس می باشد در مقایسه با بحرانهای قبلی در طول تاریخ سرمایه

داری، بحران ۲۰۰۷ / ۲۰۰۸ بزرگترین لرزه را برای جهان سرمایه داری ایجاد کرد. تأثیرات این بحران تا بحال برای آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای جهان فاجعه بار بوده است. ترامپ رئیس جمهور آمریکا اکنون صدمین روز ریاست جمهوری خود را بدون هیچ برنامه ای برای مردم می گذراند، چیزی که مشخص شده این است که او نیز سیاستهای دولت های سابق را دنبال می کند و به همین دلیل که هیچ یک از جناح بندی ها اعتمادی به و اشنگتن ندارد. آنچه که به وضوح دیده

می شود تمرکز بیش از حد دارو دسته ترامپ بر نظامی گری ست چون نئونکان ها بازگشتند و وضعیت موجود را مناسب نمی دانند. در اخبار امروز (اول می ۲۰۱۷) از دونالد ترامپ سؤال می شود: « دلیل شروع جنگ داخلی آمریکا چه بوده؟ » او از پاسخ به این سؤال عاجز ماند. هم اکنون، با روی کار آمدن ترامپ وضعیت اقتصادی و اجتماعی و رفاهی مردم به سرعت رو به وخامت می رود. پلوتوکراسی (کشوری که حاکمیت در آن در دست ثروتمندان است)، تجاوز هر چه بیشتر

قطعه در صفحه ۱۳

## تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های چپ متعلق به جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران (از ۱۲۸۰ تا ۱۳۹۵ خورشیدی)

**فصل چهارم: حزب کمونیست ایران در دوره حکومت رضاشاه پهلوی**  
در شماره های اخیر رنجبر دوره پس از شکست جنبش و دولت گیلان در آبان ۱۳۰۰ و رشد سازماندهی حزب کمونیست در شهرهای ایران بطور نیمه مخفی تا برگزاری کنگره دوم حزب در ۱۳۰۶ خورشیدی را مورد بررسی قرار دادیم. از این شماره

به بعد پس از نگاه اجمالی به فعالیت های حزب در عرصه جمعیت های توده ای بویژه سازمان های متعلق به زنان در دهه ۱۳۰۰، به چند و چون برگزاری کنگره دوم حزب در سال ۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۷ میلادی) و چرایی و چگونگی مؤلفه های آن در ارتباط با اوضاع جهان و ایران را دستخوش تحول و دگرگونی قرار داد، میپردازیم.

### فعالیت های حزب در عرصه جمعیت های توده ای

برای گسترش اندیشه های مارکسیستی در بین مردم، بویژه در میان کارگران و دیگر زحمتکشان، نشر مطبوعات برای حزب کافی نبود و در نتیجه رهبری حزب تصمیم گرفت که به ایجاد جمعیت های توده ای و

قطعه در صفحه ۱۴

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :